

قصه برای کودکان

دستور داد یعقوب را احضار کردند از او پرسید از کجا این همه آرد وسوخت را تهیه کرده اید .

یعقوب گفت : خداوند داده و باز هم میدهد .

سلطان باتیر و خشم زیاد گفت : این صحبتها چیست که میکنی ، بگو بینم تا چه مدت میتوانی نان مردم را تهیه کنی ؟

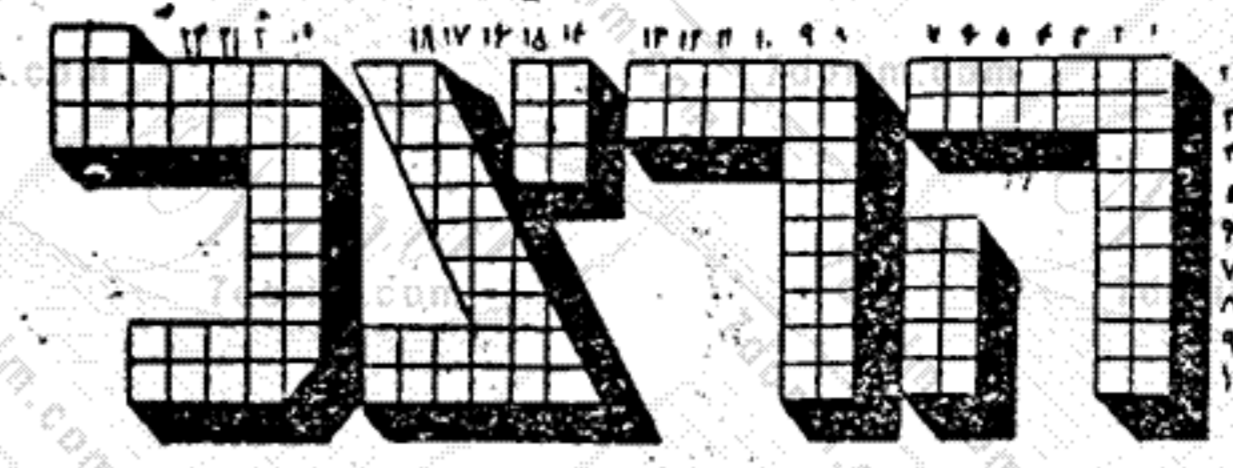
یعقوب گفت : تا سر خرمن حاضریم تمام نان مردم را تهیه و تأمین کنم ؛ سلطان با تعجب زیاد هرچه قدر اصرار کرد شش بداند یعقوب آرد و سوخت از کجای آورد بالاخره موفق نشد و بیهوش گشت ؛ اگر نتوانی بهمد خود وفا کنی حتماً کشته خواهی شد .

یعقوب قبول نموده و از نزد سلطان خارج شد ولی سلطان میخواست بداند یعقوب از کجا آرد و سوخت میآورد بنا بر این مأمورین آگاهی خود را خواسته دستور داد شبانه وارد دکان یعقوب شده صورت آرد و سوخت او را بیاورند . مأمورین آگاهی پس از چند ساعت خبر آوردند که در یکی از دکانهای یعقوب فقط سه بار آرد و سه بار سوخت موجود است .

سلطان دستور داد تا در تمام دروازه های شهر مأمورین گمارده شود تا معلوم شود چه میزان آرد و سوخت بعنوان یعقوب وارد شهر میگردد اما از این عمل هم نتیجه ای حاصل نشد زیرا کمترین سوخت و یا آردی بعنوان یعقوب وارد نگردید .

سلطان بیهوشی از وزیرایش دستور داد که با لباس عوضی بدکان یعقوب برود و او هم همین کار را کرد و به یعقوب گفت من پول ندارم ولی در عوض این انگشتر را نزد شما میکذارم پس از اینکه پول آوردم آنرا از شما پس میگیرم ، یعقوب قبول کرد انگشتر را گرفت و باو نان داد .

انگشتر را هم در گوشه دکان گذاشت و بکارش مشغول شد . سلطان یکی را مأمور کرد که برود و انگشتر را بدزدد ، مأمور هم توانست با کمال خوبی و ظیفه خود را انجام دهد و انگشتر را بدزدد . فردای آنروز وزیر نزد یعقوب آمد و تقاضای انگشتر را نمود ولی هرچه قدر جستجو نمود نتوانست انگشتر را پیدا کند وزیر با کمال عصبانیت تقاضای انگشتر را نمود و چون پیدا نکرد گفت الان بیروم و بسلطان شکایت میکنم و همین کار را هم ظاهر انجام داد ، سلطان



« فرستنده بصرت دارو گر - کرمانشاه »

جدول طرح کنیز

جدولهای قسمت های گذشته را فقط حل میکردید و میفرستادید اما ما این جدول را بسایقه میگذاریم که آنرا طرح کنید یعنی مطابق خانه های آن کلمات تهیه کنید و در آنها بکنجانبید که یک جدول خوب و تکمیلی بشود . هر که از همه بهتر بتواند این جدول را طرح کند ده قسمت کتاب عالم بهبود جایزه میدهد .

پرنده گان جدول قسمت هشتم

در این مسابقه ۲۴۲ نفر از تهران و شهرستان شرکت کرده بودند که بحکم قرعه از تهران آقای داود فرزاد و از شهرستانها (دوشیزه - خانم) بروانه باشار (بابل) هر یک چهار شماره عالم بهبود جایزه برده اند .

حل جدول قسمت ششم عمودی

- ۱ - کام - ۲ - خندان - ۳ - مرد - ۴ - پیش - ۵ - یمن
- ۶ - ستاره - ۷ - کناره - ۸ - ارم - ۹ - منت - ۱۰ - خزانه
- ۱۱ - دره
- ۱۲ - افقی
- ۱ - قتا - ۲ - طیاره - ۳ - شرم - ۴ - سنگ
- ۵ - مرد - ۶ - گردان - ۷ - کناره - ۸ - دام - ۹ - تنه - ۱۰ - تیر
- ۱۱ - شماره - ۱۲ - تنه

یعقوب را خواست و تقاضای انگشتر را نمود یعقوب جواب داد انگشتر مفقود شده است و تا چند روز دیگر آنرا تهیه و تقسیم میکنم سلطان از او تمهید گرفت تا چند روز دیگر انگشتر را تهیه کند اما چون یعقوب شخص با خدائی بود ادا نترسید ، وزیر در پنهانی به یعقوب گفت اگر شما بیکزود آرد و سوخت از کجا میآوری ممکن است من بسلطان بگویم از انگشتر خود میکندم . یعقوب با کمال جرأت گفت : خدا داده باز هم میدهد .

چند روز گذشت و یعقوب نتوانست انگشتر را پیدا کند اما اطمینان داشت خداوند با او حکمک خواهد فرمود ، روزی سلطان با تفاق وزرا برای شکار و گردش از شهر بیرون رفت پس از گردش در جلو رود آبی باستراحت مشغول شد ، وزیری که با یعقوب خصومت داشت همینکه خواست دستش را در آب بشوید انگشترش از دستش خارج شد و در آب افتاد ، وزیر با اضطراب زیاد موضوع را بسلطان گفت : سلطان گفت اگر تا احوال میخواستم یعقوب را بکشم حالا دیگر حتماً او را خواهم کشت زیرا فقط دو روز دیگر وقت دارد که انگشتر را با تحویل دهد . بقیه دارد

خلاصه مطالب

قسمتی از جوابهاییکه تاکنون بسایقه : وقتی که انشاءالله جوان شدید چه کاری انجام میدهید رسیده است ذیلا درج میشود بروانه سلیم پور از اصفهان نوشته اند : ما بیلیم زارع شوم تا با ازدیاد محصولات خدمتی انجام داده باشم فلورانس سیمین می نویسد : ما بیلیم روزی مدبری یکی از بزرگترین خیاطخانه ها شوم تا بشام دختران بیم و بی سرپرست خیاطی و کلدوزی نشان دهم آقای روح الله خاکشور : ضمن اظهار تأسف از کمی مطبوعات اسرائیلی ایران مینویسند : می خواهم صاحب ام یاز روز نامه ای شوم که تمام اختراعات بزرگ اسرائیلی را بدینا نشان دهم .

کرد آورند ، مهندس اوستالی حبیب الله لای

نشانی :

خیابان چرچیل کوچه گلکار شماره ۷

قسمت ۱۱

جدول

۵۷۰۶ ۹ خشان ۲۴ مهرماه ۱۳۲۴ ۱۹۴۵ ۱۱ اکتبر

بها هریال



موتیز میثونید « هارم بام »

رجوع شود صفحه ۱۹۷

شرکت سهامی حاب

جایزه برنده قسمت ۸ شماره ۵۸ ۴۲۵ میباشد

برنده این قسمت در قسمت ۱۲ اعلام میشود

تشکيلات انجمن هرگزى جوانان ايسرائيل ايران

« بقلم س »

اورا دعوت کرد و وادار نمود که از امروز وزن بار آینده خود را بسنجد و دوش خویش را برای تحمل آن ورزیده نماید.
جوانان امروز مردان فردا هستند یعنی مدیران خانواده ها و پدران اطفال و شوهران دوشیزگان و بدست آورنده معاش و آذوقه و خلاصه با کلک مادرهای آینده و معلمین مدارس مریان جسمانی و روحانی بچه های (بدنیا نیامده) خود هستند، ولی باید دانست که فقط تربیت خانوادگی و تعلیم در مدارس باحالت بر حرارت جوانی و شوق و ذوق همه جایی و گریز یابی افراد برای رهبری جوانان کافی نیست، اینوضع فریبنده محیط که تمدن نام نهاده اند و میتوان کارناوال و بال ماسکه اجتماعی نامیدش مانع از آن است جوانان خود بخود بفهمند که بایستی برای فردا آمده شوند. بلکه جزر و مد های نامناسب و باد های مخالف اجتماعی ایجاب میکند که ملت ايسرائيل برای سعادت خود سازمان مخصوصی جهت تربیت جوانان بغير از آنچه تاکنون بوده و هست در نظر گیرد.

تجربهای که تاکنون بدست آمده ثابت نموده است که میل جنیش و هیجان در وجود جوانان جلد اعلى موجود است و طبعاً خود جوانان بنا بامر طبیعی جوانی نه میخواهند و نه میتوانند آنرا مستور و مخفی نگهدارند ولی متأسفانه در موقع ظاهر ساختن آن میل باخود خواهی و جّاه طلبی عاری از اخلاق لازمه تماس نموده و بصورت نفع پرستی و شهرت طلبی و حسادت و کینه ورزی آنرا وارد جامعه میکنند بجای اینکه نیرو و افکار جوانی در مرحله تمرین در آید که بعدها مشر ثمر نیکوئی برای احتیاج قرار گیرد متأسفانه در محیط ما وسیله مخالفتهای شدید و مبارزات ناروا می گردد و سبب گسستن قیود اتحاد جامعه میشود.

اگر چند نفر دهاتی برای مشورت درباره انتخاب چرا گاه برای حیوانات خود یا برای حفر قنات و یا کارهای مربوط بخودشان بگرد هم جمع شوند و شور کنند بعد از چند روزی دیده خواهد شد که مشورت و پیشنهادات آنها بصورت عمل در آمده و نتیجه خوبی داده است ولی ما در این محیط خود می بینیم و میشنومیم که همه روزه دستها و انجمنهایی با نامه های دهن پرکن و مرام نامه های کثیرال مواد و پر آب و تاب روی کار می آیند میگویند و تبلیغ می کنند و اهمیت مرام خود را بر رخ این و آن میکنند و قبل از عمل خود را از بر جستگان و زبده های ملت معرفی میکنند ولی نتیجه که وعده میدادند و میدهند هنوز بدست نیامده است و یکی از صدها وعده هائیکه داده اند عملی شدن آنرا کسی ندیده است بلکه همانطور که در قسمت های قبلی این کتاب تذکر داده شد پس از مدت کوتاهی شنیده میشود که آن دستها و آن انجمن ها یکی پس از دیگری گرفتار باد خزان میشوند و مانند برگهای زرد از شاخه و تنه این جامعه ستم دیده بدور پرتاب میشوند.

البته این یادداشتها نه از نقطه نظر اعتراض و ایراد نسبت به مؤسسين انجمنها و عدم توانائی آنها در اداره کردن انجمن خود میباشد بلکه میخواهیم با ذکر مثالهایی بحث کنیم. و علت پیدایش این همه انجمن و کيسيون های رنگارنگ و متضاد را بی بیرم و علت انحلال و عدم موفقیت آنها را نیز بدانیم که بتوان برای انجمنهای بعدی نتیجه مثبتی بدست آورد.

و فکر کنند که وجود جوان و نیروی او است که سنگین ترین چرخ اجتماع را بگردش در آورده و این همه آهن و فولاد را در هوا و در فم دریا ها و در کر کوهها متحرک نموده است. اراده و قدرت جوان است که دوش پر نیروی او را تکیه گاه و سد امواج خروشان تحولات سیاسی و اقتصادی نموده و بی باکانه در راه سعادت عالم انسانی سر خود را در کف دست نهاده و با هزاران امید و آرزو خود را فدا میکند. کیست که از خون خود میدانهای جنگ را رنگین کرده؟ کیست که از خون خود سیلها جاری کرده است؟ کیست که کارخانه ها را بگردش در می آورد؟ کیست که در زیر زمینها و دره های کثیف و خفه کننده معادن را استخراج میکند؟ کیست که با فدا کاری و جان بازی خود فلان امیر و سردار را دارای مدال لیاقت و درجه میکند و فلان سیاستمدار را صاحب مقام و جاه می نماید؟ البته جوان است!!

در دیانت ايسرائيل طبقه جوان دارای مقام ارجحندی است موقعی که ملت ايسرائيل از مصر مهاجرت میکرد و در تحت رهبری ییشوای خود حضرت موسی (ع) برای تشکیل دولت یهودی یش میرفت (بوجوب نص تورا) چون طبقات بعد از طبقه جوان قابل مبارزه و اداره جامعه خود نبودند مقدر شد که هر کس سنش بیش از بیست سال است بتدریج در مدت معینی بایستی دریابان نابود شوند.

بعد يك طبقه نیرومند از جوانان ايسرائيل تعلیم یافته و تربیت شده مأمور ایجاد ملت و تشکیل دولت بنی ايسرائيل گردید!
بنابراین جای هیچ شکی نیست که سنگین ترین بار آینده جهان بدوش جوانان است پس از نقطه نظر بهبود وضع آتیه ملت ايسرائيل لازم است یش از این باهیت طبقه جوان بی برده و برای موظف و مقید نمودنش

گذشته از مناسبات تاریخی اصولاً روح آزادیخواهی و شهامت ملت ایران که از خصایص باطنی آنها است ملت ایران را در نزد دیگران محبوب مینماید.

اگر گاهی از طرف برادران ایرانی تعرضاتی نسبت با افراد یهود مل آمده باشد افراد یهود آنرا بمنزله منازعات داخلی خانوادگی که بین خواهران و برادران رخ میدهد تلقی نموده و کمتر بخاطر سپرده است. ملت یهود دوستی و محبت ایران و ایرانیان را برتر از آن میدانند که یادی از گذشته های تیره نموده یا نسبت بحمله های یهود اشخاص ایراد بگیرد، ملت یهود دنیا توقعی یش از این از برادران ایرانی خود ندارد و آن نیست که دست اتحاد و برادری آنها را پذیرفته و یش از یش حقوق ملی و اجتماعی و سیاسی این ملت مطیع و صالح بی آزار و خدمتگذار و وفادار و فدا کار را محفوظ داشته و برای عظمت ایران همکاری و مجاهدت او را استقبال نمایند.

ملت یهود در نیروی و دمای هیبتی خود که همه روزه در موقع نیاز میخواند نسبت بایران و فرزنداناش میگوید:

پاینده باد ایران و استقلال آن. جاوید باد شاهنشاه و ملت نجیب ایران.

یشهاد آقای دکتر دلچانی « بچه کرد»

دولت ایران تنها ملتیکه از اطاعت دولت مقنونه برای وفاداری نسبت بایران سر بیچید ملت یهود بود و تسلیم نشد مگر بالشکر کشی و غلبه.
در فصل ۴ کتاب اشیاء رساله اشیاء نبی گفته شده است: « خداوند میفرماید دست مسیح خویش یعنی کورش را گرفتم تا بحضور وی امت ها را منقلب سازم و کورهای پادشاهان را بکشاید تا درها را بحضور وی مفتوح نمایم و دروازه ها دیگر بسته نشود و خداوند بکورش میفرماید: یشایش تو خواهم رفت و جاهای ناموازارا هموار خواهم ساخت و درهای برنجین را شکسته پشت بند های آهنین را خواهم برید و گنجهای پنهان در تاریکی و خزاین مخفی را بتو خواهم بخشید تا بدانی من که ترا با ست خوانده ام یهود خدای ايسرائيل میباشم. بخاطر بنده خود یعقوب هنگامیکه مرا نشناختی ترا با ست خواندم و لقب ساختم. من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدائی نی.»

ملت یهود نه فقط بر حسب یشکوئی اشیاء نبی خوشتن را موظف به بستگی به ايسرائيل و شهرت ایران میدانند بلکه بواسطه نهایت مهربانی شاهنشاهان ایران میباشند، چنانکه در کتاب عزرا فصل اول میگوید: « در سال اول کوروش پادشاه فارس کلام خداوند بزبان اریمائی نبی نازل شد و فرمود روح کوروش پادشاه فارس را برانگیختم تا در تمامی ممالک خود فرمانی نافذ صادر و آنرا نیز مرقوم داشت و گفت کوروش پادشاه فارس چنین میفرماید: یهوه خدای آسمانها جمیع ممالک زمین را بمن داده و مرا فرموده است که خانه ای برای وی در اورشلیم که در یهودا است بنا نمایم.»

نه فقط کورش کبیر به آزادی ملت یهود و حمایت از آنها همت گماشت بلکه سلاطین دیگر مانند داریوش کبیر و خشایار شا نیز در اثبات حق این ملت فروگذاری نکردند، زیرا در موقع بنای پایتخت مملکت یهود عده ای دشمنان شورش نموده و مانع آزادی ملت یهود شدند، بنابراین داریوش کبیر بمضمون زیر فرمانی صادر کرد:

پس حال ای تنای والی ماورای نهر و شتر بوزنای و رفتای شما و افرسیانیکه با نظرف نهر میباشید از آنجا دور شوید و بکارکنان خانه خدا متعرض نباشید، اما حاکم یهود و مشایخ یهودیان این خانه خدا را در جایش بنا نمایند و فرامینی نیز از من صادر شده است که شما باین مشایخ یهود بجهت بنا نمودن این خانه خدا چگونه رفتار ننمائید از مال خاص پادشاه یعنی از مالیات ماورای نهر خراج باین سردمان، بلا تأخیر داده شود تا معطل نباشند و ما بحتاج ایشان را از گاو و قوچها و بره ها بجهت قربانی های سوختنی برای خدای آسمان و گندم و نیک بر حسب قول کاهنانی که در اورشلیم هستند روز بروز بایشان بی کم و زیاد داده شود ۷۰۰۰۰ و دیگر فرمانی از من صادر شد که هر کس حکم را تبدیل نماید از خانه او تیری گرفته شود و او بر آن آویخته و منقلب گردد و خانه او بسبب این عمل مزبله بشود و آن خدا که نام خود را در آنجا ساکن گردانیده است هر پادشاه یا قوم را که دست خود را برای تبدیل این امر و خرابی این خانه خدا که در اورشلیم است دراز نماید هلاک سازد. من داریوش این حکم را صادر فرمودم پس این عمل بالا تأخیر کرده شود ۷۰۰۰۰۰»

ایران در نظر ملت یهود

ایران یکی از قدیمیترین ممالک تاریخی جهان است که همیشه نظر سردان بزرگ را بخود جلب نموده است بواسطه موقعیت جغرافیائی و سیاسی همواره میدان مبارزات شدید سیاسی بوده و در معرض بزرگترین تحولات قرار گرفته است.

سرزمینی است که اکثر ملل جهان بایرانی دوستی با ملت ایران بایرانی مطالعات سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی و تاریخی کوشیده اند که در آن رخنه کنند کمترین ملت یافت میشود که یادگاری نفیس از ایران نداشته باشد و یا علاقه و محبتی از خود به این آب و خاک نشان نداده باشد و نه دهد!

بین ملل علاقمند ملتیکه یش از سایرین نسبت بایران با وفا بوده و هست میتوان ملت یهود را معرفی کرد زیرا جریان تاریخ بطور کلی اهمیت ایران و نجات ملت ایران را برای ملت یهود ثابت نموده است. ملت یهود بواسطه تعلیم دینی و اخلاقی خود حق شناسی را نسبت بجامعه از دست نخواهد داد.

ملت یهود آنروزی را که مردان دلاور و رشید ایران حکم شاهنشاه آزادی خواه خود کورش کبیر برای استقلال یهودیان از جنگال ظالمان بابلی از شط فرات گذشته و بداخل حصار تسخیر نشدنی بابل راه یافتند و دیوارهای آنرا فرو ریختند فراموش نمیکند!

ملت یهود رشادت سردار نامی ایران « سیا کرار پسر آرتیتهاک » را که برای نجات ملت بنی ايسرائيل دروازه های بابل را فتح کرد فراموش نمیکند!

ملت یهود محبتهای این مادر مهربان و وطن عزیز « ایران » را تا بید یاد داشته و علاقه خود را نسبت باین آب و خاک و نسبت ببرادران ایرانی خود بدل نقش بسته است.

نه فقط ملت یهود ایران باین سرزمین دل بستگی دارد و آن را پرستش مینماید بلکه کلبه افراد یهود جهان ذی علاقه ببدن کوروش و دارا و نوشیروان هستند.

یاد از این رفتن خطر شورشیکه يك مرد اجنبی بنام « حامان » که باتکاه دربار شاهنشاهان ایران میخواست بر علیه یهودیان برپا کند و در نتیجه حمایت و رعیت پروری شهریار بزرگ ایران خشایارشا بر طرف شد ملت یهود همه ساله در کلبه قنات دنیا جشن « پوریم » را برپا میکند و بدین وسیله بستگی خود را نسبت بایران و ایرانی ثابت مینماید.

نام تنها مملکتی که در تاریخ ملت یهود بدکر خیر ثبت شده است « ایران » است. ملت یهود با ستاد تاریخ خویش خود را از ایران و ایرانی و ایرانی را از خود و همه را یکی میدانند!

مدارک تاریخی که مبنی بر دل بستگی یهود بایران است و در دست میباشد زینت بخش صفحات تاریخ یهود است.

در تاریخ یهود آنچه مربوط بایران است از برجسته ترین و روشن ترین یادبودهای تاریخی بنی ايسرائيل است و جزایر آن جزء وقایع مذهبی ملت یهود ثبت شده است.

در موقع تسخیر مملکت ایران بدست اسکندر مقدونی از متفقین

مسئله فلسطین

را که تشکیل يك دولت يهودی است عملی نماید تا بتواند بدین وسیله خود را از شر آنتی سمیتها محضی ظو بالنتیجه از يك مركز حتمی الوقوع رهائی یابد .

ملت يهود که تلمات و خسارات زیادی را در برانداختن بساط قلدري و ستمگری و نابودی رژیم نازی در این جنگ جهانسوز متحمل شده است حق دارد که بنحو اكمل از مزایای حیات بهره مند گردد و در تعیین سرنوشت خود کمالاشرکت جوید و چون یگانه چاره منحصر بفرق این قوم برای رهائی از جنگال جنایت کار آنتی سمیتسم ایجاد يك دولت يهودی میباشد .

ملت يهود با اتخاذسند از اعلامیه بالفور و قول هاو وعده های کلیه دول بزرگ و دموکرات بنام تساری حقوق بشری و انسانیت تقاضاهای خود را مبنی بر تشکیل يك دولت يهودی در فلسطین اعلام میدارد و انجام آن را بزودی از طرف خواستار است .

درخواست ملت يهود که در اثر تبه کاری های نازیها شدت عمل یافته بود اخیرا در محافل مطلع انعکاس شدیدی تولید نموده و در نتیجه فعالیت و کوشش اتحادیه هرب نیز برای جلوگیری از آن که صرفاً جنبه خصومت دارد زیادت گشت چنانکه از طرف اعراب در این باره چه در قبال مهاجرت يهودیان و چه در قبال فروش اراضی يهودیان تقاضات جدی اتخاذ شده است .

بهر حال باید دانست که اکنون مخالفت اتحادیه اعراب و فعالیت آن در برابر این امر به منتهای درجه رسیده است و از هر گونه وسیله ای برای رد درخواست ملت يهود استناده میشود .

موضوعی که اخیراً باعث حساسیت این مسئله گشته است نامه ایست که پرزیدنت ترومن به اتلی نخست وزیر انگلستان نوشته و در طی آن از درخواست آزانس ژوئیف راجع به مهاجرت صد هزار يهودیانی که اکنون در خاک اروپا بجات اسف آوری زندگی میکنند پشتیبانی نموده است و اینطور بنظر میرسد که گزارش ژنرال ویلیام دو بر رئیس اجرائیات مهاجرین امریکا نیز در این باره بدون تاثیر نبوده است .

نامه مزبور محافل مطلع را و ادار باظهار نظر نموده و فعالیت مخالفین را نیز زیادتیر نموده است ضمناً جنجالی هم در عالم مطبوعات براه انداخته است . روزنامه (المصری) چاپ قاهره ضمن اشاره به نامه مزبور مینویسد « اگر امریکائی ها دارای بسبب اتنی هستند اعراب نیز دارای نیرومندترین اسلحه که تاریخ هرگز بیاد ندارد میباشد و آن اسلحه هبارت از کینه و عداوت است » .

روزنامه فوق خواسته است امریکا را تهدید کند و بدین نحو مانع از فرقداری امریکاییان از يك حق قانونی و مشروع گردد غافل از اینکه اولاً امریکاییان هیچگاه مایل نیستند که از نیروی اتم در چنین مواردی استفاده کنند و ثانیاً هر قدر هم که کینه و عداوت اعراب زیاد باشد در مقابل نیروی عظیم امریکا جز برکامی بیش نیست .

ثالثاً امریکا از يك حق مشروع و قانونی

بنابه انسانیت و نوع دوستی حمایت میکنند و در برابر هیچ اسلحه ای از انجام مقصود خیر خواهانه خود باز نخواهد ماند .

نویسنده مزبور پیش بینی عجیبی نیز مینماید بدین مضمون که « دسته ای از ملل آسیا مرکب از چینی و هندی و هرب تشکیل میشود که بر علیه دول باختر جنگ بیرحمانه ای را آغاز خواهند کرد . راستی چقدر مضحک است که نویسنده باز تهدید خود را تکرار و خواسته است که در عالم خیال هندی و چینی و هرب را با آنهمه میابست هائی که از احاطه مادی و معنوی و آداب و رسوم فیما بین آنها موجود است یکی نماید و در راه انجام يك امر کوچک و غیر مشروعی که بفتح یکمده از اعراب است معوم نماید و دیگر متوجه این نکته نشده است که اصولاً پیوستگی این نیروها و تشکیل چنین دسته ای غیر مقدر و بر فرض تشکیل هم کاری از پیش نخواهند برد .

این سعود نیز شایعانی را راجع به ملاقات با مرحوم روزولت انتشار داده و ضمناً از قولی که روزولت بوی داده سخن بیان آورده است . لذا نامه ترومن را برخلاف وعده های روزولت میداند .

ولی چنانکه از اخبار واصله از امریکا مستفاد میشود هیچگونه سنده و مدرکی که گفته های این سعود را تأیید نماید تاکنون بدست نیامده است و حال آنکه اگر چنین قولی صحت داشت میبایستی مدارکی یافت شود که اقلاً چگونگی آنرا بیان نماید .

هزام بيك مدير كل اتحادیه اعراب در ضمن ملاقات با روزنامه نگاران راجع به مهاجرت صد هزار يهودیان از اروپا به فلسطین چنین گفته است :

« هر حکمی که در این خصوص از انگلستان یا از امریکا برسد با مقاومت مواجه خواهد گردید و اگر تقاضای مهاجرت يهودیان ادامه یابد اعراب فلسطین بوسیله اسلحه مقاومت خواهند کرد و مسلم است که بهیچوجه نمیتوان کشورهای عربی را از کمک به نهضت مقاومت اعراب فلسطین بازداشت . »

گو با عزام بيك نخواست و یا نتوانست است وضعیت رقت بار صد هزار يهودی را در برابر چشم مجسم سازد و صراحتاً از جنبه مخالفت سخن رانده است . اینک از بعت اینکه چگونه مگر است با حکم انگلیس و امریکا بخصوص که درباره امری مشروع و قانونی با مخالفت ورزید با چگونه اعراب میتوانند

هارم بام

در یکی از روزهای سال ۱۱۳۵ در شهر « کردو » پایتخت با عظمت اسپانی در خانواده ای یهودی از پدر و مادری طلی بوجود آمد که او را مویز (موسی) نام نهادند ، از همان ایام کودکی هوش و فراست بی بایانی در نامیه این طفل هویدا بود ، از این جهت هنوز چند سالی از عمر این کودک با هوش نگذشته بود که تورات و تلمود را نزد پدرش یاد گرفت ، روح پرشوروی هیچگاه از تحصیل خسته نمیشد باین جهت تنها بیاد گرفتن این دو کتاب مقدس اکتفا نکرد بلکه زبانهای عربی و لاتین و علوم پزشکی و فلسفه و ریاضیات و نجوم و دیگر علوم متداوله را که نزد عموم محترم بود بیاموخت ، دبری نگذشت که شهرتش جهانگیر گشت با وجود این هنوز نابغه ماجوان بود و وقت زیادی برای فرا گرفتن علوم دیگر و خدمت بنوع داشت .

در این هنگام تلمودیت های زیادی در فرانسه و اسپانیا زندگی میکردند ولی مویز که در اینوقت لقب هارم بام را گرفته بود و سرآمد آنان بود ریاست آنان را بعهده داشت .

هارم بام در جوانی به مراکش مسافرت کرد . اسرائیل های تزی پایتخت مراکش که سلاطین عرب بر آن حکمروایی میکردند مقدم او را گرامی داشته و در بعضی از آثارشان خاطرات توفیقش را در این شهر ثبت کردند .

پس از تزی باورشلیم و از آنجا بقاهره و سایر بلاد مصر مسافرت کرد و در تمام این شهرها کنفرانسها میداد و بیمارانرا معالجه میکرد ، بطوری که آوازه شهرتش در تمام مصر پیچید و سلطان صلاح الدین ایوبی پادشاه عظیم الشان مصر که در جنگهای صلیبی فداکاری های بیشماری کرده بود او را پیش خود خواند و پزشک دربار خویش گردانید .

با وجود این نابغه عظیم الشان ما با این معلومات در پزشکی و فلسفه تحصیل را ترك نکرده و هر روز بدانش خویش می افزود ، چندی نگذشت که رئیس ورهبر يهودیان خاورزمین شد و با استفاده از نفوذ و مقام صلاح الدین ایوبی نامه هائی بشاهان مالک اروپا که با يهودیان بسختی رفتار میکردند نوشت و از آنان درخواست نمود با يهودیان بغوشی رفتار نمایند ، در اثر توصیه های وی بود که پادشاه انگلیس نسبت به يهودیان محبتی پیدا کرد و از آزار نمودن آنان صرف نظر نمود .

هارم بام در تمام مدت زندگیش شادی را بر خود حرام کرد و فقط مشغول فداکاری و خدمت بنوع میشد و بیماران را نجات میداد .

وی دارای چندین کتاب در فلسفه و پزشکی است که مهمترین آنها رهبر گمشدگان می باشد که ببری « مورد بنوخیم » نامیده میشود در این کتاب ثابت میکند که احکام توراة قسمتی راجع به پزشکی و صحت بدن است و قسمت دیگر مربوط باخلاق و استحکام روح میباشد و بقیه برای دور کردن اسرائیل از بت پرستی و بت پرستان گفته شده است .

در سال ۱۲۰۴ که این فیلسوف مشهور و نابغه نامی رخت از جهان فانی بر بست ملت های يهود و مسلمان سوگواری بی نظیری برای او برپا کردند و مرتبه های زیادی در مرش سرورند . پادشاه مصر شخصاً در سوگواریش شرکت کرد .

مویز میوید هارم بام از مترجمین عالی مقامی است که آثار اشخاص بزرگی را از لاتین ببری و از هر بی بلاتین ترجمه کرده و از ابتزاه نیز خدمت بزرگی بجامعه مسیحیان و اعراب نمود . هارم بام در طی ۶۹ سال زندگی بر افتخار خود خدمات برجسته ای بمال ب بشریت نمود .

اسلحه در این مورد استعمال کنند و یاد دولت های عربی میجو چکره باید برخلاف تمایل متفقین به این نهضت می یوندند خودداری نموده و فقط از ایشان مبرسیم که آیا در صورت چنین عملی و استعمال اسلحه برضد يهودیان دول دموکرات و معظم و آنهاییکه هزاران هزار فدائی در راه استقرار آزادی و تثبیت تساری حقوق بشر داده و میبایست لیره برای نابودی کاخ ستمگران و وحشیگران خرج نموده اند باشما چگونه رفتار خواهند کرد ؟

بزرگان يهود را بشناسید (از این بیعد در این صفحه هکس یکی از مشاهیر يهود با شرح مختصر زندگانی او را بنظر خواننده کان میرسانیم)



نئون بلوم

تولد در سال ۱۸۷۲ میلادی . از راه نمایان سوسیالیست ها و یکی از نویسندگان بزرگ فرانسه . از سال ۱۹۱۲ عضو پارلمان شد . در سال ۱۹۳۷ نخست وزیر فرانسه گردید .

روابطش با نظریه تجدید حیات يهود بسیار خوب و موافق است . عضو اداره سوخونت (مجمع فرانسه برای فلسطین است) از نوشتجات مشهور او « مذاکرات تازه با اگرمان » و « در باره عشق » و غیره میباشد .

گرد آورنده . ر . خاچیری

« من مهتقدم که ایجاد »
« يك مركزی برای يهودیان »
« موقعیت سیاسی و اخلاقی »
« تمام يهودیان دنیا را بالا »
« خواهد برد ، بصرف این »
« حقیقت که يك تشکیلاتی وجود »
« دارد که مناقع تمام يهودیان »
« را در بر خواهد داشت » (انبشتین)

آیا سرنوشت این قوم کهن سال ورنج دیده را بدست شما میسپارند و حیات ایشان را مله شما خواهند ساخت ؟ . . . و آیا (بر فرض محال این امر) ملت يهود نیز در برابر تجاوزات شما بدون هیچ مقاومت و دفاعی میجو به تسلیم خواهد شد ؟ راستی چقدر تعجب آور و مغرور آمیز است موقمی که باین سؤالات جواب مثبت داده شود . درست است که يهودیان فلسطین بقیه در صفحه ۲۰۴

« خواهران عزیز، آب در اولین ساعات روز بسیار خنک است. بیایید برزگر در روزهای تعطیل با استراحت می بردازد. ساحل هنوز خلوت است. هفتس. »
 « زنگه میهمی آغاز کرده، خوشی های ما فقط در این پیشه های پردرخت است. هیچ شاهدی غیر از طلوع فجر ندارد. »
 « اشیاء در قصر پدر من میدرخشند اما این سواحل پر از گل چون یک حوضچه طلائی با ساقی دیدگان مرا می نربیند. »

« این صدا های آسانی کسرت های خوش وائی هستند، من این کلبه را بر عطرها می که در مجسمه میریزند ترجیح میدهم »
 « آب خیلی آرام و آسان صاف است. »
 « تاجم را بردارید و لباسهایم را از من دور کنید چون امروز می خواهم با شما در شکم این امواج خسرو شات بازی کنم. »
 « مجله کنیم. »
 « آه من مابین ماهای صبح چه میبینم. »
 « ابق دور دست »

اثر ویکتور هوگو نویسنده شهیر فرانسوی



ترجمه « یحیی یو د عیم » همدان

« را نگاه کنید... دختران معجوب ملیح ترسید... بیشک این شاخه درخت خرمای کهنه ایست که از آن سوی پیرامیها بوسیله امواج می آید. »
 « چه بگویم... با این نگاههای میهم... آیا قایق هرس... است یا گوش صدنی «ایزیس» که بوسیله بادسیکی بر روی رودخانه رانده میشود اما نه... شاید نایق کوچکی باشد که در آن طفلی براهتی آرمیده و در شکم امواج مانند شکم مادرش خفته است. »
 « او بخواب رفته... چون از دور بتخت خواب مواجش میگردم مثل اینست که پرنده سفیدی در میان لانه خود بر روی آبهای متحرک شنا میکند و او در درخت خواب کودکانه خود با اراده باد حرکت می نماید و آب پرتابش میکند. »
 « اما او در خواب است و گسرداب متحرک وی را در مقبره اش می جنباند بیدار میشود... بشتابید ای دوشیزگان (منفیس)... آه ا کدام مادری طفلش را با امواج خسرو شات تسلیم کرده است... بازوهایش را بسوی او دراز می کند، ز زخمه آنها از هر طرف شنیده میشود، انسوس! برای دفاع در مقابل مرك غیر از گهواره یکباریکه از نیهای شکننده تمیبه شده وسیله ای ندارد. »
 « او را نجات دهید، شاید کودکی از بیتی اسرائیل باشد، پدرم آنها را اذیت میکند، او ظالم است از این که اینت یکذهان را زجر میدهد، بیچاره طفلک، این بدبختیها حس ترحم و محبت مرا بیجوش آورده اند. »
 « من میل دارم مادر این طفل باشم، گرچه او تولدش را بمن مقروض نیست ولی حیاتش را بمن مدیون است. »
 هنگامی که ملتزمین در ساحل نیل گهواره منلاطم را تماقت میکردند (ایزیس) مایه امید بادشاه مقدر بصحبت خود ادامه میداد.

چو آنان زیبایی که هنوز از گرفتن آن گهواره خود داری میگردند هینکه دختر پادشاه لباسهای طلائی خود را بیرون آورد تصور مینمودند دختر آنها را ببینند، امواج زیر باهای لطیفش حرکت میکردند. نجات دهنده با قدمهای ترسان و لرزانت بطور ترحم بطرف بچه ای که ناله میکرد نزدیک میشد، کشتی کوچک را گرفت از مأموریت خود خیالی خشنود بود و از برداشتن این وزن کوچک افتخار میکرد و این اولین مرتبه ای بود که افتخار بریشانی او راه یافت.

او بنبروی خود آب ها را کنار زده بیچاره شکست و با قدمهای آهسته بچه را از آب شنی مرطوب گذاشت. سپس ندیده ها هر یک بنوبت باین مولود جدید نزدیک شده به نگاههای بر تمجب او خنده دلگشی میکردند و در کمال حجب و حیا او را میبوسیدند.
 « تعجب نا ای »
 « آنکه از دور با »
 « ترده نظاره میکنی »
 « چشمهای پستو »
 « با انتظار خدا با آسان »
 « مینگرد، مانند یک »
 « غریبی با اینجا بیا، »
 « در حینیکه موسی را میان بازوانت فشار میدهی مترس... اشکها و تأثرات بتو خیانت نمی کنند زیرا ایفیس هنوز مادر نیست. »
 سپس دوشیزه آن طفل متواضع را پیادشاه که هنوز رام نشده بود نشان داد. از آسمان صاف و بر ستاره آهنگی شنیده میشد: آری فرشتگان با الهای گسترده خود بحضور خدای قادر ابدی سرود شادمانی میخواندند.
 « یعقوب دیگر در زمین بیگانه ناله مکن، اشکهایت را داخل امواج ناله نیل منما، (اردن) سواحلش را بروی تو باز میکند، بالاخره روز نجات فرا رسیده، دروازه های زمین موعود بر رویان باز گردید، زمین (کوشن) علی رقم کلیه دشمنانیکه در اسارت داشتی رهایت را ببینند. »
 بر اثر تواضعی که این کودک در روی امواج از خود نشان داد بالاخره منتخب خدا گردید و (سینا) پادشاه درد ها گردید و این همان شخصی بود که بوسیله دوشیزه ای نجات یافت.
 ای موجودات فانی شما که تکبرتان مانع خدا شناسیتان میگردد: سجده کنید، یک گهواره بنی اسرائیل را نجات داد، یک گهواره نیز باید دنیارا نجات دهد.

« بشرا ز تمدن تازه ای که در فلسطین در شرف ظهور و متعلق به یهود میباشد برخوردار خواهد شد. » (انیشتین)
 « ملت یهود هرگز به تحایل ملل و اقوام دیگر نرفت و نخواهد رفت و هر ننگ آن توده نخواهد شد. » (انیشتین)

بقلم بچه کرد

(نظم مثنوی)

باد صبا از جانب نگار بن بی سامان مژده آورد،
 گوید پس از آنهمه رنج - فراق ترا امید وصالی خواهد بود؛
 مانند گریستن های ابر بهاری و تیره رنگی آن. که چمن خندان

بقلم (افسرده)

و دشت سبز و خرم و پر نشاط در عقب دارد. شب زنده داری و ناله های سحری و خون آبه دل.

باشراط امید و صبر لذت وصال و شادی کامروائی در بر خواهد داشت گویم چه مژده؟ چه وصالی؟ چه کامروائی؟ که عبرت یابید داشتن امید بسر میرود ولی هنوز کوشش از ابروی دلبر ندیده ام سالهاست در سایه امید زیست میکنم جوانی را ابهولت و کجوات را. بیبری رسانده ام. نه یاری دیدم و نه دلبری و نه دلربائی و نه نگاری. پس از فنا کردن عمر باین تجربه رسیدم که امید تنها کافی نیست بلکه امید با کوشش و رنج وسیعی و زحمت و از جان گذشتن بهمراد میرسد.

من در بدر و سرگردان نیدانم غم خود خورم باغم بی سرو سامانی ملت خود. هنوز در دام اندوه نا کامی خویش دست و پا میزنم و راه چاره برابم نیست که دام تازه تری بر روی دام نامرادی خود میبایم.

و آن خرابی وضع ملت یهود ابر انست صبا از من واله شیدا به پیش آن دلبر نایدا پیام بیر و بگو که بین خرابی این ملت تا چه حد است و ویرانی تا کجا است که دلداه بی سر و سامان و ویلان و رانده از کوی تو غم خویش را فراموش کرده و در ماتم خرابی این ملت زار شده است بین فلاکت و تیره روزی بکجا کشیده است.

ببین بی همتی اغنیاء و غفلت فقرا و سستی هر دان چه کرده است. که من کور فکر بخت برگشته می خواهم عصا کش کور در گروم و بین نخوت و خود خواهی جوانان و « بمن چه » گوئی پیران

بکجا رسیده است که من خفته می خواهم خفتگان را بیدار کنم. ببین بی خبری مردم و نادانی توده و شادی طراران اجتماعی چه کرده است که من بیبوش و از همه جا بیخبر می خواهم مستهای باده غرور را هوشیار کنم البته میدانم که توای نگار زیبا و دلبر طناز تا بی سرو سامانی این ملت به این حد است برای کسی روی نخواهی گشود و وصال تو برای من افسانه ییش نخواهد بود.

از کتاب هزار و یک اندرز زندگی

همه چیز را چشم زیبایی بنگرید

در هر جا و هر چیز، چیزی وجود دارد که از خلال آن با می خندد و مارا مجذوب خود میکند. (امرسون)

هر گاه به عطی داخل شویم در نظر اول دیده بیبوی آن میدویم و بیبوی جوئی می بردازیم در صورتیکه هر گاه بدیده حقیقت بنگریم و ارزش مطلق اشیاء را در نظر بگیریم جز زیبایی در آن چیزی مشاهده نمیکنیم زیرا نه لیکنند و نه بد و آن چشم ماست که به نیکی و یا بدی در آنها مینگردد.

عیوب و زیبایی هر دو در هر چیز موجود است ولی مردمیکه در زشتی و بلیدی بوجود آمده اند و همیشه بدینا با نظر بد بینی نگریسته اند همه چیز در نظر آنها زشت و نازیبا جلوه میکند و بالعکس اشخاصیکه بدینا خوشبین بوده و در محیط مناسب پرورش یافته باشند همیشه زیبایی محیط خود توجه میکنند.

پس زیبایی در همه جا وجود دارد و آن چشم ما است که از پشت عینک الوان بآن محیط مینگرد و یا شاد و خندان بارزش حقیقی آن نگاه میکند و رضایت خویش را فراهم میسازد.

هر گاه بادیه بصیرت اشیاء و محیط خود بنگریم و هر بامداد ناظر طلوع خورشید و هر شب مهتابی منتظر ماه و شبهای تاریک در انتظار ستارگان باشیم خواهیم دید که همه زیبا و پسندیده اند ولی برای مردم بدبین و غیب جو، زمزمه جویبارها، چهچهه پرندگان نسیم ملایم باد و ارتعاش شاخه های درختان همه بساط ناله های غم انگیز خواهد بود که روح عزرا دار آنها را کسل تر و افسرده خواهد نمود.

کسیکه خواهان زیباییست، دنیا برای او زیبا و دوست داشتنی است. و کسیکه بادیه عیب جوئی به محیط مینگرد دنیا در نظرش جهنم حقیقی خواهد بود و زندگی برایش سخت و غیر مقدور میباشد. پس چرا خود را با پند کله و شکایت کنیم و همیشه بیبوی بردازیم زشتیهارا در نظر مجسم کنیم و بدیها را از نظر بگذرانیم، بیایم همیشه خواهان زیبایی باشیم و خود را شیفته آن نشان دهیم

همیشه خرم و خوشحال، خندان و دلشاد باشیم، همیشه وسائل شادی و شادمانی برای خویش فراهم سازیم و در بی زیبایی کام برداریم؛ خواهیم دید زیبایی و سرور از در و دیوار و از زمین و آسمان میبارد و همه چیز زیبا و دوست داشتنی است. کارمشکلی نیست، هم آن تصمیم بگیریم، همین الساعه آماده برای وصول زیبایی بشویم. مگر وصول آن سخت و مشکل است؟ کسیکه بدینال طلا میرود، در انبوه گل و لای، و در توده های شن و خاک جز طلا بجز دیگری توجه ندارد تا طلا بدست آورد و عاقبت موفق بوصول آن میشود.

«قیامیگه پس از سه هزار سال هنوز ادامه دارد»

ما را تهدید نمیکرد کریان آنها را خواهد گرفت و بجزای اعمالشان میرساند و فلا آنها را از خود ندانیم. اینست طریق اصلاحی که بنظر اینجانب میرسد. بقیه ملت را (غیر از سرمایه داران) میتوان به سه قسمت نمود اول طبقه که نسبتاً دارای تولی کافی می باشند. دوم طبقه متوسط که محتاج دیگران نیستند.

سوم طبقه مستندان که نیازمند کمک و همراهی هستند و بایستی دست آنها را گرفت و از منافع خلاصی بخشید. روی سخن ما با طبقه اول و دوم است. قبلاً لازم است متذکر شد که اکثریت ملت انتظار داشتند سرمایه داران بی بوظیفه خود برده و دست به تشکیلات لازمه ملی بزنند ولی متأسفانه این انتظار برآورده نشد و روز بروز تنزل و انحطاط ما بیشتر شد. بعقیده اینجانب دو علت است که باعث عدم موفقیت ما در کلیه امور اجتماعی شده است اگر خوب ملاحظه کنید تاکنون انجمنهایی با مرام های عالی روی کار آمده اند ولی موفق بکاری نشده اند. علت آنست که در حله اول کلیه اقدامات آنها برای جاه طلبی و بدست آوردن مقام بوده است که همان علت خود روزی سبب تشکیلات دسته ها و همچنین سبب انحلال آنها بوده است. علت دوم داشتن انتظار کم از سرمایه داران است. پس برای رسیدن بقصود اصلی بایستی از این دو علت چشم پوشیده و راه دیگری پیش گرفت. آن تشکیلات عریض و طولی که پیشنهاد نموده اید فعلاً برای این محیط زیاد است بلکه بایستی چنین پیشنهادی در امریکا عملی شود، زیرا هنوز پایه اجتماعی ما بان درجه نرسیده است که بتوانیم دارای چنین تشکیلاتی شویم « ما نمی گوئیم دارای قابلیت نیستیم بلکه ماهنوز برادران سایر هم کیشان خود هستیم و از یک نژاد میباشیم. بعقیده این جانب مهمترین راهی که ما را بقصود میرساند از این قرار است.

باید طبقه اول و دوم ملت بگرد هم جمع شده و سرمایه هائی رو بهم بگذارند و شرکتهای سهامی با اصول تجارتی تشکیل دهند بشرط اینکه مبلغ سهام عمده سرمایه هارا خودشان بدهند و بقیه را در بین افراد ملت تقسیم نمایند و با رعایت مقررات مربوط بشرکتهای کلیه دارندگان سهام حق رای در مجمع عمومی شرکتها را داشته باشند و از سود حاصله شش یا هشت درصد بدارندگان سهام برسم سود ویژه داده شود و بقیه منافع را طبق رای مجمع عمومی بصرف امور خیریه و تأسیس مؤسسات ملی و اصلاح امور فرهنگی و ترمیم خرابی تشکیلات اجتماعی و بهداشت پیردازند و از این راه نیز ممکن است روزی بتأسیس صندوق ملی موفق شوند.

امروز هیچ یک از انجمن های موجوده راضی نخواهند شد که عایدات خود را تحویل دیگری بدهند ولی روزی که شرکتهای لازم تحت سرپرستی انجمن که فقط حق نظارت در امور آنها را داشته باشد تشکیل شد ممکن است این آرزو برآورده شود و با موافقت حاصله ممکن است کارگاهها و دستگاههای تولید کننده ایجاد نمود که بیچارگان و بی کاران در آن راه سعادت برسد و بتدریج ببرد های بی درمان دیگری رسیدگی شود.

عالم یهود: نویسنده مقاله «قیامیگه» پس از سه هزار سال هنوز ادامه دارد» موسوم به بچه کرد است نویسنده تشکیلات موسوم به «س» است مقتضی است خوانندگان محترم بمقاله فوق الذکر مراجعه کنند و بار ذکر آن را بخواهند و باموضوع این مقاله قضاوت کنند.

راجع به تشکیل شرکتهای سهامی قبلاً این کتاب پیشنهاد آن را داشته است که در موقع خود در دنبال «تشکیلات» مفصلاً گفتگو خواهد شد.

آقای بچه کرد نویسنده مقاله «قیامیگه پس از سه هزار سال هنوز ادامه دارد» چنانکه از مقالات شما مشهود است از مندرجات کتاب مقدس «عهد قدیم» مطلع میباشید و گویا اغلب وارد جزئیات شده و میخواهد اجتهادی از خود نشان دهد، زهی سعادت! که انکاء شما بکتاب آسانی است البته البت لازم است که گاهی استدلالاتی هم از خارج بیاورید بطوری که در قسمت ۷ این کتاب در ضمن شرحی راجع به قیام حضرت موسی (ع) بر علیه جاه طلبی قارون روی سخن را بسرمایه داران امروز نموده و اشاره هم بوضع چند سال پیش خودمان کرده اید و گفته اید «فراموش نکنید چند سال پیش را که عفریت استبداد و مرک در آستانه خانه های شما شما و مایلکتان را تهدید می کرد فکر کنید آن چه قوه مرموزی بود که شما را از چنگال مرک و فنا خلاصی بخشید، آن قوه، قدرت همان خداوندی بود که این ثروت را شما عطا کرده و برای عبرت شما قیافه ترسناک مرک را هم بشما نشان داد ولی متنبه نشدید! بدانید من شما را از طریق دیگر آگاه خواهم کرد» از این عبارت چنین مستفاد می شود که روزی تر و خشک با هم خواهند سوخت، آیا دنیا بر اساس ظلم بر قرار است که بی گناه هم در همان آتشی بسوزد که مجرم سوخته است؟

آیا منکر عدل الهی هستیم که تصور کنیم ظالم و مظلوم یک علت مشترک با هم ازین میروند، اگر چنین است پس عدالتی در دنیا وجود نخواهد داشت در صورتی که ما معتقدیم پروردگار موجوداتی عادل ترین و مهربان ترین ذوات مقدسه است و آفریننده عدل و رحمت است و مایل است که مظلوم برای نابودی ظالم قیام کند زیرا برد باری مظلوم در برابر ظالم بهترین وسیله پشتیبانی از ظالم است و اما گفتار ما روی عدل خداوند متعال است که بهیچوجه راضی نیست بواسطه چند تقری خطا کار یا ظالم جامعه مظلومی را هم نابود کند.

در دوره حضرت یونس اهالی شهر عظیم و بزرگ نینوا را در نظر بیاورید که بواسطه فساد و مظالمشان بر سهاله حضرت یونس پیام مقدرات الهی اعلام گردید که مقدر است آن شهر ویران شود و اهالی آن فنا گردند ولی بواسطه وجود عدهای مظلوم و توبه اهالی تقدیر برحمت مبدل شد و تا مردم آن دیار از اعمال زشت خود دست نکشیدند نجاتی برای آنها نشد زیرا طلسم مانند آتش سوزنده است که ظالم و مظلوم را نابود میکند.

اینست که گفته شده است «الدنیا یعنی مع الکفر ولایینی مع - الظلم» یعنی دنیا با کفر سازگار است ولی با ظلم بقائی ندارد.

آقای نویسنده، گویا اقتدار از خود خواهی و غرور سرمایه داران بیزار شده ای که منتظر بلای تازمای هستی که چنگال عفریت دیگری برای نابود کردن نیک و بد از جانبی هویدا گردد ولی طبق فصل ۴ کتاب اشیاء نبی نباید تا این اندازه مأیوس شد زیرا شدت بدبختی تا آخر دوام نخواهد داشت. خوب است امروز کلیه برادران ما بواسطه نابودی دشمن، خدای متعال را شکر کنند و از راه دیگر بفکر چاره افتند یعنی اگر سرمایه داران خود را جزو این جامعه نینبندند و از ملت خود دوری مینمایند و وظیفه خود را انجام ندهند تصور کنیم خطری که در چند سال پیش حیات

شما هم در پی زیبایی باشید پس از آنکه کنی خواهد دید که دنیا را زیبایی فرا گرفته و ما در خواب صبیح خفته بودیم، دنیا بسوی ما لیخنه میزند و ما اشتهاها آن را چهره عبوس می پنداشتیم همه جا را زیبایی فرا گرفته ولی چشم حقیقت بین میخواهد.

کنفرانس صیونست که اخیراً کار های خود را در لندن پایان رسانیده تصمیمات مهمی مخصوصاً در باره بودجه سوخت و هیبودیت اتخاذ نموده است بدینمعنی که باتفاق آراء بودجه را تا سال ۱۹۴۶ ببلخ ۶ میلیون لیره تعیین نموده است.

آقای کلان رئیس اداره مالی خبرگزاری مذکور اظهار امیدواری نموده است که این بودجه تا قبل از کنگره آینده صیونست ها که قرار است در سال ۱۹۴۶ تشکیل یابد صورت عمل بخود خواهد گرفت.

چنین تصور میشود که این دفته کنگره در خود فلسطین منقذ خواهد شد.

ضمن بیانیه ای که در باب اوضاع سیاسی از طرف کنگره صادر شده کتاب سفید که از طرف حکومت انگلستان در سال ۱۹۳۹ انتشار یافته مورد انتقاد شدید قرار گرفته است زیرا در واقع این کتاب سفید اقدامات بین المللی را که ممکن بود بحال ملت یهود ملغی واقع شود رد نموده و حقوق تاریخی و ملی یهود و همچنین حق مراجعت آنها را بر سر زمین اجدادی که ضمن شرایط قیومیت نیز تصریح شده است بیابال و حق سکونت یهودیانرا فقط بیک قسمت کوچکی از اراض اسرائیل محدود نموده و آنها را محکوم نموده است که دائماً بصورت اقلیت باقی بمانند.

کتاب سفید حق آزادی این ملت را که میخواهد با استقلال در سرزمین خود زیست نماید بکلی سلب نموده است.

اینست دلایل اساسی اعلامیه صیونستها بر علیه سیاست محدود که کتاب سفید بنفع « تروریسم اعراب » قائل شده است.

این کتاب باعث شد که هزاران هزار از اینا، یهود که که دچار اینهمه مظالم در اروپا شده اند نتوانند از چنگال مرک رهایی یافته و به ارض اسرائیل پناه بیاورند.

باید دانست که این کتاب بدون تصویب جامعه ملل و بدون آنکه با حکومت آمریکا مشورت شده باشد انتشار یافته است و تنها مرجعی که از آن اطلاع داشته کمیسیون دائمی قیومیتهای جامعه ملل بوده است و از قضا همین کمیسیون هم عقیده داشته است که مفاد کتاب سفید با شرایط قیومیت که بانگلستان سبده شده تطبیق نینمایند.

بیانیه کنفرانس همچنین این نکته را متذکر میگردد که چرچیل ضمن یکی از جلسات تاریخی مجلس عوام انگلستان کتاب سفید را مورد ملامت قرار داده و هربرت مرینس پیشوای حزب کارگر نیز در نطق خود تصریح نموده است که یک دولت کارگر طبیعیاً با سیاست کتاب سفید علاقه ابراز نخواهد داشت.

بیانیه نیز یاد آور میشود که تروریسم اعراب که در سال ۱۹۳۶ شروع شد با پشتیبانی هیتلر و موسوینی بوده و رشید عالی کیلانی اتحادیه ای با آلمان هیتلری منقذ ساخته بود و بدین طریق سیاست کتاب سفید که مبتنی بر امیدواری حصول نزدیکی با مسلمانان بود دچار عدم موفقیت گردید.

برعکس در خاور میانه یهودیان فلسطین بیکانه ملتی بودند که تمام قدرت و توانائی خود را برای کمک با اقدامات جنگی انگلیس و متحدینش مصروف داشته اند جنگجویان یهودی بخصوص سهم مہمی را در شکست نهائی دشمن در جبهه ایتالیا دارا بوده و شہامت خود را علناً و عللاً بشیوت رسانیده است.

بیانیه کنفرانس صیونست

با تمام این اوصاف در تمام مدت چنگ فقط ۶۰۰۰ یهودی موفق بدخول فلسطین شده اند و حال آنکه شش میلیون نفر از برادران و خواهران و کودکان همکیش آنها بدست نازیها و همدستانان عفریت مرکز را به بدترین صورت در آغوش گرفته اند قطعی است که اگر یهودیان حکومتی از خود داشتند هرگز این کشتار های دست جمعی صورت عمل بخود نمیگرفت.

مراجعت یهودیان به فلسطین واستقرار آنها در این سرزمین تا کنون بتجری انجام یافته که بدبکران لطمه ای وارد نیآورده است و در آتیه نیز همین منوال صورت خواهد گرفت.

اعراب و سایر ساکنین فلسطین مانند سابق از وسائل اقتصادی روز افزونی که یهودیان بوجود آورده اند بهره مند خواهند شد و نیز کسی مانع اجراء امور اجتماعی و فرهنگی آنها نخواهد شد.

مسلم است که مهاجرین یهود منافع طبیعی کشور را توسعه بخشیده و کشور های عربی که ساکنین آنها بپرسوی پراکنده هستند حکومت یهود را بمنزله متحد باوقائی تلقی خواهند کرد که برای پیشرفت و ترقی همسایه گانش از بدل همه گونه مساعدت دریغ نخواهد کرد.

کنفرانس بیانیه خبرگزاری یهود را که در باب فلسطین صادر نموده و بوقوع خود نیز بحکومت بریتانیای کبیر ابلاغ داشته است تأیید مینماید بدین مضمون که:

کتاب سفید عاری از هر گونه ارزش اخلاقی و قانونی میباشد حالاکه چنگ بیان رسیده یهودیان نمیتوانند ادامه سیاست کتاب سفید را بشکل فعلی یا به روش دیگر که تغییر یابد برخورد هوار نمایند.

تنها راه حلی که بنظر میآید همانا برقراری یک حکومت یهود بر طبق مفهوم اعلامیه بالفور میباشد بدون آنکه چیزی از آن کاسته یا قابل تقسیم باشد.

هر گونه تأخیر در ححل این مسئله یا هر گونه اقدامات نیمه نام و احتیاطی یا هر نوع تصمیمی که با روح کتاب سفید و لومساعد هم باشد اتخاذ گردد نه فقط درمانی برای وضعیت رقت بار ملت یهود نخواهد بود بلکه نتیجه ای جز افزایش آلام و مصائب این ملت و نا امنی که فعلاً در فلسطین حکم فرما است نخواهد بخشید.

بیانیه کنفرانس صیونست با این عبارت خاتمه مینماید « کنفرانس تقاضا دارد که درخواست فوری بحکومت بریتانیای کبیر خطاب شده و از آن حکومت بخواهند که بدون تأخیر تقاضای کنفرانس را مورد توجه قرار دهد و نیز بتقنین عمده حکومت بریتانیا و بهوم ملل متحد متوسل شده از آنها درخواست مینماید که معنا و مادناً برای اتخاذ و اجراء این سیاست پشتیبانی نمایند »

از قرن هجدهم ترجمه آقای « صادق طویبا »

- « ما باید بطور علنی اصل و نسب خود را »
- « معرفی و بدان افتخار کنیم »
- « من نژاد یهودی هستم و خوشحالم از »
- « اینکه متعلق بملت یهود میباشم »
- « من اغلب از اینکه بعضی از رفقایم »
- « شخصیت و اعتماد به نفس ندارند خیلی متأثر »
- « میشوم »
- (اینشتین)

..... از خم و بیچ چند کوجه تنک که گذشتیم (مثل اینکه از تنگنای سخنان زور گویان اجتهامی که اغلب خود را با ضرب بول جزمه برجستان و نور چشمهای ملت جامیزند فرار کرده باشم) بخیا باز و سیمی رسیدیم و من نفس راحتی کشیدم و برین خود گفتم آن افسانه «سم دار» شما و این کوجه های تنک و کثیف مرا منقلب نموده بود.

گفت آن افسانه پیش نبود ولی چون بوضع مردم این محیط

شبهات داشت برای مثال بگفتن آن ناگزیر بودم اما امروز میخواهم تورا بملاقات بیروی صاحب دل بپریم تا از این قبیل مثالها بچشم خود به بینیم .

طول خیابان را پیاده و از شهر خارج شدیم پس از طی مبادی راه به آسیای رسیدیم که در نقطه خلوت و مصفائی در کنار نهری قرار گرفته بود و اطراف آن را درختهای خرم احاطه نموده بود پیر مرد خوشروئی را دیدیم که جلو آستانه درب آسیاب نشسته و چشمهای خود را بدور ترین نقاط افق دوخته بود . آن فضا و منظره با آله آب و حرکت درختان و چک چک آسیاب یک نوع کنسرت مرموزی را ایجاد نموده بود که خود بخود بیننده را بنشاط میآورد .

به پیر مرد سلامی کردیم . از مشاهده ما باروی گشاده از جا برخاست و تشرافی کرد و اشاره به تخته سنگی نمود که روی آن قرار گرفتیم پس از تفرقات و احوال پرسشهای معمولی رفیق مرا معرفی کرد و گفت این دوست من از دیار بسیار دوری باینجا آمده است و طالب مطالعه و نصیحت و تجربه است .

پیر مرد آسیابان پس از اظهار خوشوقتی بدون مقدمه مثل اینکه میدانست که نباید وقت را بسخنان بیوده تلف کرد گفت می خواهم اول بگدرس علمی بشما بدهم که مردم را خوبتر بشناسید . این را گفت و وارد آسیاب شد و یک کیسه کندم با خود همراه آورد و در چند قدمی آسیاب ریخت .

من و رفیق ساکت نشسته بودیم و حرکات او را مینگریستیم . پیر مرد بدون اینکه کلمه بزبان براند آمد به لای مانتست . پس از چند دقیقه رفیقهایم که اطراف آسیاب براکنده بودند ودانه ها و یا مورچه هایی با مقدار از زمین بر می گرفتند و می خوردند

بدور گندم جمع شدند و شروع بدانه برچیدن نمودند آسیابان برای دور کردن مرغها فریاد زد « کیش کیش » چند مرتبه این کلمه را تکرار نمود ولی مرغ ها بکار خود مشغول بودند.

عاقبت آسیابان سنگی برداشته و بیجا آب آنها بر تابه کرد سنگ بیکدی از مرغها اصابت کرد و آنرا بکوشه گذاشت و مرغهای دیگر فرار کردند . پس از چند لحظه بار دیگر مرغ ها بدور گندم جمع شدند .

آسیابان برای دور کردن آنها چند مرتبه کلمه « کیش » را تکرار کرد ولی مرغها بدانها برچیدن خود سرگرم بودند .

آسیابان سنگ دیگر بطرف آنها بر تابه کرد و مرغ دیگری را برو بال شکسته نمود و مرغ ما فرار کردند . خلاصه

در هفت قله قاف



مرغهای آسیابان

بقلم س

چند مرتبه این پرده بگنواخت تکرار شد و مرغها بدور گندم کرد میآمدند و هر دانه آسیابان بیکدی از آنها را با بر تابه تنکی بیجان میکرد . من چون میدیدم رفقیم بادقت و توجه فوق العاده باین منظره مینگرد و منتظر عاقبت آنست منم سکوت اختیار کرده و نتیجه آن نمایش را انتظار میکشیدم تا اینکه بیرم از جا بلند شد و گندم را میان کیسه ریخت و روبه مانود و گفت :

این منظره که دیدید نمونه کوچکی از نمایش این جهان

و این مردم است پس از چند دقیقه سکوت گفت می دانید مرغها چه مکر میکنند ؟ رفیق گفت چطور میتوان فهمید یک مرغ چه فکرمیکند ؟ پیر مرد گفت از حرکاتشان میتوان بی برد . چند مرتبه که خواستم با ادای کلمه « کیش » آنها را از دور گندم دور کنم ممکن نشد تا اینکه با بر تابه تنکی و کشتن یکی از آنها همه فرار

کردند ولی پس از چند دقیقه که دوباره جمع شدند فکر کردند نام آن مرغیکه باتکه سنگی بیجان شد « کیش » بوده است داد و فریاد آسیابان بامربوط نموده مرتبه دوم و سوم باز همینطور تصور کردند و هر یک از آنها خود را میرا از تاثیر کلمه « کیش » میدانست و دیگری را مسئول و موظف باطاعت امر آسیابان میکرد

« حال ای عزیزانم : این مردمیکه ما با آنها زندگی میکنیم در طریق زندگی فردی و بیرونی از آمال و آرزوهای خود مانند این مرغها هستند . اکثر مردم که تابع آمال و خواهشهای نفسانی خود میباشند مانند مرغها برای بر کردن طبل شکم پرآز و طمع خود بطرف مقصود خویش حملور میگرددند قوانین اجتماعی و انتظامات طبیعی را مانند « کیش » آسیابان نشنیده یا ناچیز انگاشته و بکار خود مشغول میشوند . خطا میکنند ظلم روا میدارند ، حقوق دیگران را پایمال مینمایند ، برای منافع شخصی بضرر دیگران راضی میشوند مسئولیت و وظایف فردی و اجتماعی را بر خود وارد نمیدانند ، دام سزاه دیگران میکنند ، برای نابودی همنوعان خود نقشه های کشند ، مروت و وفاداری نسبت بیکدیگر ندارند ، برای مال دنیا بروی یکدیگر تیغ میکشند اگر صدها نفر در کنار آنها از گرسنگی و درد ببردند ندیده و نشنیده خود را قلمداد میکنند . در امور اجتماعی و خدمت بنوع خود را بر کنار میدارند ولی از دیگران متوقمند که وظیفه آنها را انجام دهند خلاصه هر کسی وجود خود را برتر و ممتازتر از دیگران تصور کرده و خویشان را از اجرای امر و قانون و مقرراتی مستند ، دانسته و مانند آن مرغها که گمان میکردند « کیش » برای آن مرغ است که کشته شده گمان میکنند قانون برای دیگران است و وقتیکه در نتیجه مظالم و اعمال ناروای آنها خطری یا حادثه برای تنبیه نمودنشان پیش میآید همه مانند مرغهاییکه در نتیجه بر تابه تنکی فرار کردند دست و پای خود را مع

بقیه در صفحه ۲۰۴

لئون بلوم



با خانم خود در زندان

موقیعت کنونی یهودیان عالم را میتوان از دو نقطه نظر مورد توجه و بررسی قرار داد .

۱ - از نقطه نظر کیفیت و تعداد نفرات آنها ۲ - از نقطه نظر کیفیت یعنی نیروی که باعث بهم پیوستگی قوم یهود بامدهش میشود ؛ خانه ای که با شخصیت حیاتی و با آئینده نژادی او بستگی داشته و با اجازه میدهد بر علیه هر مانی که موجب سلب آزادی ملی و توسعه قدرت آئینده او شود جدا مبارزه نماید . زیرا این دو عامل اساسی است که آئینده هر ملتی را در بر دارد .

نخست نیروی مادی یعنی تعداد نفراتیکه کم و بیش در تشکیل آن اجتماع قابل توجه بوده سپس نیروی معنوی و حیاتی یعنی درجه روح فداکاری که در مبارزه برای حفظ حیات و آئینده خود از خویش ابراز میدارند .

امروز ملت یهود از نقطه نظر کیفیت دارای موقیعت خوبی است

و دارای ۱۶ میلیون نفوس میباشد (البته در ۲۰ سال قبل ولی امروز بر اثر قتل عامها و کشتارهای دسته جمعی آنها ۶ میلیون از این مقدار کاسته شده است) و این تعداد نفوس تا بحال در هیچ دوره ای از تاریخ یهود سابقه نداشته است .

اگر تعداد یهودیان عالم هزار برابر این بود امروزه از نسل آنها یک اجتماع بزرگ و قابل توجهی بوجود میآید . در حقیقت باید دانست که بدون قربانیهایی که در هر عصر و دورهای تکرار می شود و تغییر مذهب و انحرافاتیکه بر اثر تحریکات و زجرهای بیرحمانه این ملت قبول کرده است (و این امر موجب کاهش دائمی و مقرری نفوس آنان میشود) اکنون تعداد یهودیان عالم از جمعیت کنونی آلمان ویا انگلیس هم تجاوز مینماید ولی منظور ما اینجا آن نیست که چه میبایستی شود بلکه مطالعه وضعیت کنونی آنها و آن چیزیکه حالا موجود است میباشد . بهر حال جمعیت شانزده میلیونی یهود امروزه در واقع دو برابر جمعیت بلژیک ، سه برابر هلاند و بالاخره مساوی جمعیت سوئد و نروژ و یونان بالاتفاق میباشد که جمعیتی بردبار ، فعال ، هوشیار و دارای احساسات خانوادگی و فکرو پند سالم میباشد .

گوانکه آنتی سیت ها نیز برآندند که هر گاه قوم یهود فاقد آن هوش و استعداد فطری و خصلت اخلاقی بزرگ (که در طی سالیان دراز ارتقا نسل نسل منتقل میگردد) بود هرگز نمیتوانست در دنیای پهناور علوم و ادبیات و صنایع و هنرهای انسانی مقامی باین بزرگی احراز نماید و در حقیقت همین خصلت ممتاز است که این قوم (کهن سال) را در طول قرون متعادی در مقابل دنیای پرازدشمن که بیوسه موجب زجر و آزارشان میشده است وادار بقاومت و اسقامت نموده است حسن مسئولیت مشترکی که بین عموم یهودیان عالم موجود است آنها را بر آن داشته است که در مقابل تنفر و انزجار عمومی که موجب اخراج دسته جمعی ، زجر و شکنجه جسمانی ، دادن قربانیها ، خفتنهای بی حد و حصر اخلاقی و عذاب های روحی آنها میشده است جدا مبارزه نمایند . قوم یهود فتح و پیروزی خود را در این مبارزه مدیون خصایل اخلاقی و حسن مسئولیت مشترک خود میباشد که تا بحال نتوانسته است در مقابل آن همه دشمنان جسور و مستمکر خود قد علم کرده از اضحلال و انحطاط واقعی خود جلوگیری نماید .

ولی آیا دشمنان آنها سلاح را بزمن گذاشتند ؟ و یا چنگ بر ضد آنها ختمه پذیرفت ؟

کوچکترین توجهی بوضعیت کنونی میلیونها یهودی در اروپای شرقی و مرکزی بنا جواب خواهد داد که نیروی تهاجمی دشمن و مرام ضدسامی بودن هرگز بقوت و شدت امروزی نبوده است . و حتی يك جمعیت چهار میلیونی یهود که در يك کشور جمهوری بزرگ و قوی ، در کشوری که امروز پیشوا و همدار تمدن جهانی است زندگی میکنند ؛ با وجود تمام خدماتیکه بیپن خود نموده اند ، و با وجود موقیعت ممتاز و برجسته اقتصادی خود و با مقام شامعی که در علوم و صنایع احراز نموده اند از طرف اکثر توده و اهالی صرفاً بملت همین پیشرفتهای سریع مورد حمله قرار گرفته آنها را پندی و خطرناکی متهم میکنند و اجتهاعات قوی و بزرگی که افراد آنها بر هزارها بالغ میشود و برای مبارزه سخت و بی رحمانه ای بر علیه آنها و کاتولیکها و نکرهای بومی Negres به پیروزی های معکسی مبادرت میورزند .

در حقیقت معلوم است که کو کلوکس کنن (نام يك

آینده قوم یهود

وضعیت یهودیان ۲۰ سال قبل از نظر بوهمیل و قوت آنتی سیتسیم

نهضت فاشیستی در امریکا (Ku - Klux - Klan در کشور های متحده امریکای شمالی روبرقی و پیشرفت است و این امر بیش از پیش آرامش داخلی و صلح عمومی را تهدید میکند و بنا بر معمول همه جا قوم یهود بیش از همه مورد

تهدید و خطر این جمعیت انبوه و نیرومند قرار میگردد و بهجرات میتوان اظهار نمود که از ۱۶ میلیون جمعیت یهودیان لااقل دوازده میلیون آنها چه از حیث امور معنوی و اجتماعی و چه از لحاظ مادی و اقتصادی مورد خطر احتمالی نیرو های بزرگ و اجتماعی کشور های متنوعه اروپائی میباشد و بر خلاف نس عهدنامه « ورسای » قانون اساسی این کشورها ، یهودیان نمیتوانند مانند بومی ها از مزایای تساوی حقوقی برخوردار گردند و همیشه این جمعیت مورد خفت و هر گونه درد سر و زحمت واقع میشود .

آیا میتوان اطمینان داشت بنائیکه کشتارهای دسته جمعی و قتل و غارتها و قربانیهای یهودیان نیز در طی قرن بیستم تکرار نشود ؟ آیا میتوان مطمئن شد که حکم اخراج دسته جمعی یهودیان برای ابد در دفتر سیاه خاطرات گذشته مدفون شده دیگر بارسورت صل بخورد نگردد (۱) آیا میتوان تصور نمود در يك قرن برجسته که بشر از حیت علم و صنعت آتقدر جلو باشد این حرکات قبیح بر علیه یهودیان اصلا امکان نا پذیر خواهد بود ؟ ! !

(۱) باینکه این موضوع در سال ۱۹۲۵ هجری (۲۰ سال قبل) یعنی درست قبل از ایجاد حزب نازیسم در آلمان مورد بحث و پیش بینی واقع شده بود ولی اوضاع ۲۰ ساله اخیر دنیا بخوبی نشان داد که این پیش بینی چطور لباس عمل بخود پوشیده و مخصوصا در این چند سال چنگ عالمگیر باچه قسوت و بیشرمی مخصوصی این حس درنده خوئی و همنوع کشی (برخلاف نص صریح تورات که میکوید دوست بدار همنوع را چون خودت) از پس پرده های بر نقش و سگار تمدن بشری سر در آورده و بدون هیچ علتی موجب انهدام و نیستی شش میلیون یهودی بیگناه از پیر و جوان و کودک بزرگ گردیده و چه بسا قبیاح که بار آورده ، و باز هم برای مرتبه سوم و کجا که این قبیل وقایع تحت عناوین دیگری و آنتی سیتسیم دو لباس دیگر و در نقطه دیگری جلوه گر نشود و بیکباره خرمن هستی این قوم کهن سال را بسوزاند و زحمت وجودش را از دفتر خاطرات بر دارد .

ترجمه و نگارش « امید العاج »

امروزه بیش از قسمتی از یهودیان دنیا را تشکیل نیدهند و در برابر اعراب در اقلیت هستند ولی با استفاده از منابع نیروی که از طرف کلیه یهودیان دنیا در اختیارشان گذاشته خواهد شد و همچنین با استفاده از فعالیت و ایامی که این قوم در خود سراغ دارد و بخوبی میتواند بمراتب بیش از آنچه زبان می بیند بحریف خود تلفات و خسارت وارد سازد و مسلم است که در چنین صورتی دیگر هیچگونه مسئولیتی متوجه آنان نخواهد بود زیرا که در مقام دفاع و برای استفاده از حق حیات مجبور به مبارزه گشته اند.

اینها نظریاتی بود که پاره ای از مخالفان ذینفع مخالف در باره نامه ترومن اظهار میداشتند و از طرز بیات و توجیهات آن ها که خود نمونه بارزی از منظورها و افکار آنان میباشد کافی است که بحقیقت مطلب پی برد.

دولت کارگری انگلستان برخلاف آنچه تصور میرفت و برخلاف کلیه وعده هایی که تاکنون بملت یهود داده شده بود با نامه ترومن موافقت نکرد.

گرچه ممکن است دولت انگلیس دلایل زیادی را در لفافه های سیاست و مقتضیات وقت برای استرضای ملت یهود اقامه نماید که شاید بتواند بدینوسیله موفقیت خود را در نزد آنان ثابت نماید و بازم از دوستی آنان بهره مند گردد ولی بسیار بعید بنظر میرسد که هیچ یک از دلایل مزبور مقبول افتد چه کلیه یهودیان دنیا باین نکته اساسی پی برده اند که با موفقیت کنونی و وضعیت یهودیان هیچ دلیلی برای رد پیشنهاد آنان نمیتواند مقنع باشد.

یهودیان دنیا نیز در برابر این عمل غیر منظره دولت انگلیس سکوت اختیار نکردند و چون هنوز کاملاً از اجرای آن مأیوس نگردیده اند لذا فقط اکنون عکس العملهای کوچکی از خود بروز داده اند. چنانکه تاجرین یهود در آمریکا معاملات با انگلستان را تحریم نموده اند.

بقیه از صفحه ۲۰۲ مرغهای آسیابان

قدر مسلم آنست که یهودیان مادامیکه یک دولت یهودی در فلسطین روی کار نیاید آرام نخواهند گرفت و با تشبث به روسیله و استفاده از هر نیروئی که ممکن است بالاخره شاهد موفقیت را در آغوش خواهند کشید زیرا این امر برای ملت یهود یک امر حیاتی و این مبارزه بمنزله یک مبارزه حیات و ممات برای آنان بشمار میرود.

کرده ومدتی بادقت کامل صحنه میدان خطر را مینگرند ولی پس از مدت کسی که اثر خطر محو میشود این مردم هم گذشته را فراموش کرده و مانند همان مرگها که بدور کدم جمع میشدند باز در تعقیب کارهای زشت خود بجنش و تکاپو می افتند. این قبیل نمایشات دارای تسلیلی است که در هر دو رو کردش عده از این مردم را بر چرخهای خود نابود میکند و نه این مردم پر مدعا و کم مدرک و مست منطق از سر نوشت شوم دیگران و اعلامهای خطر بیایی تنبیه نشده و بکار خود امان میدهند. هنگامی آگاه میشوند و مقررات اجتماعی و طبیعی را شامل خود میدانند که طعمه حوادث منجه از اعمال خود شده و در فشار بنده قوانین ثابت و طبیعی دست و پا میزنند.

جان کندن چند تا از مرغهای بی گناه بود که بایستی یک خوراک لذیذ برای نهار از گوشت آنها درست کنم و پس از آن بایکدیگر درد دل و گفتگو نمایم. . . .

خمین

نفوس - تعداد اسرائلهای خمین بسیار کم و در حدود یکصد و پنجاه نفر میباشد که عدهای از آنها بیشتر اوقات در دهات بسر میرند. بین اسرائلهای خمین متولد وجود ندارد. طبقه متوسط تقریباً پنجاه نفر و طبقه بی چیز و فقیر که محتاج به کمک دیگران هستند یکصد نفر میباشد که این عده با مساعدت و کمک طبقه متوسط امرار معاش مینمایند.

شغل مهم و متداول اسرائلهای خمین طبابت، بزازی و خرازی و دوره گردی میباشد.

فرهنگ - در خمین مدرسه ملی اسرائلی وجود ندارد و بدین جهت کلیه اسرائلهای آنجا از فهم زبان عبری بی بهره و از اطلاعات مذهبی بی خبر میباشند.

بعلت عدم وسایل لازمه از عالم اسرائلی بی اطلاع هستند مجالس سخنرانی و تشکیلات اعم از حیرا یا انجمن خیریه و یاهر کانونی وجود ندارد و از نعمت ورزش و تربیت بدنی نیز محروم هستند.

عده دانش آموزانیکه بمدارس دولتی میروند اعم از پسر و دختر در حدود پنجاه نفر میباشد.

بهداشت - وضعیت بهداشتی آنها رو به هر طرف بد نیست.

اخیراً یک باب حمام عمومی ملی ساخته شده است.

نقشه اصلاحی

۱- متأسفانه مانند اغلب از شهرها خمین دارای زبان نمی باشد و اهالی اسرائیل از این لحاظ در مضیقه میباشند و باید هر چه زودتر این نقیصه ملی و مذهبی مرتفع گردد.

۲- دائر نمودن شعبه دبستان اتحاد در خمین که زبان منمهی هم تدریس شود و همچنین ایجاد کتابخانه و قرائت خانه و ترویج تربیت بدنی.

۳- زمین برای محل کنیسا خریداری شده که متأسفانه تاکنون بعلت نداشتن بودجه برای ساختمان آن بلا استفاده مانده و لازم است هر چه زودتر اقدام ساختمان آن شود.

۴- ایجاد سازمانهای صحیح و تشکیل انجمنهای سخنرانی برای هدایت ملت و ایجاد حس همکاری در کلیه شهرستانهای ایران که عموماً بایکدیگر مرتبط باشند.

۵- دست رسی داشتن بروزنامه عبری که بزبان فارسی هم برای کمک به تعلیم زبان عبری ترجمه شده باشد.

عالم یهود: کم و بیش کلیه اسرائلهای ایران از لحاظ نواقص اجتماعی مشترک هستند و وضع اسف آوری که شامل حال اکثر ما میباشد بدون مجاهدت و فداکاری فرداً فرد قابل اصلاح نیست بنا بر این نباید منتظر بود که دست دیگران برای برداشتن بار افتاده ما پیش آید زیرا همیشه این قبیل انتظارات برآورده نمیکردد.

لازم است که خود شما با استفاده از ذوق و نشاط نیروی جوانان و تدبیر مردان بانجربه و کسب اطلاعات از خارج با اصلاح وضع داخلی خود بپردازید و با وسایل مشروع و مختلفه که همیشه در دسترس هست و با صرف وقت میسر میگردد بنه مالی ملی خود را تقویت نمایید و بگوشید احتیاجات خویش را بدست خود رفع کنید که بتوانید در جامعه خود دارای اقتدار شوید.

شب فشمینی هیئت جوانان

رشت - تاکنون امور اجتماعی و ملی اسرائیل های رشت توسط (حیرا) اداره میشد ولی اکنون مدت چهارماه است که عدهای از جوانان حساس و تحصیل کرده هیئتی را برای تشریک مساعی حیرا تشکیل داده اند.

اخیراً بنسبیت تجدید سال نو و ریختن شالوده صحیح و جدیدی برای یسرفت امور شب نشینی با شکوهی از طرف آن عده در دبستان کورش ترتیب داده شده که ابتدا عدهای از جوانان راجع بنظور ائتلاف و سایر موضوع ها و خطابه و نطق های مهم از طرف آقایان ابراهیمیان و آقای هارونی و گرمانی و نصیریان ایراد و شب نشینی که حاوی انواع تفریحات، سرود و نایش و غیره بود شروع و تا دو ساعت بعد از نیمه شب ادامه داشت.

عالم بود - امیدواریم اقدامات سودمند حیرای رشت که بوسیله جوانان تقویت شده است مؤثر واقع گردد و بتواند خدمات برجسته ای بهمیهنایان و هم کیشان خود انجام دهند.

زمین برای ساختمان مریضخانه

تهران - از قرار اطلاع حاصله در موقع فوت جوان ناکام مرحوم یوسف شمشا پدر ایشان آقای سیمان جواهری نذر کرده اند قطعه زمینی را برای ساختمان یک مریض خانه بنام آن مرحوم اختصاص دهند. ما امیدواریم که آقای سیمان جواهری و پسران محترم ایشان در این موقع که جماعت اسرائیل تهران در مضیقه هستند با کانون خیرخواه که در صدد تأسیس یک زایشگاه و بیمارستان میباشد تشریک مساعی فرموده و در انجام این امر خیر بنام آن مرحوم پیش قدم گردند.

کتابخانه کانون جوانان

کتابخانه کانون جوانان بود که مدتی تعطیل شده بود اخیراً با مزایای بیشتری باضمام یک قرائت خانه تقریباً افتتاح و در محل سالن درمانگاه همگانی «کلیسای مرحوم ملا حنیفا» افتتاح و همه روزه برای مراجعه علاقمندان بفرهنگ عبری آماده خواهد بود.

از پالکوری

نیویورک - اتحادیه وابسته بنسبیت خارجی کشورهای متعدد آمریکا ضمن گزارش سالیانه خود مقاله ای هم بمملات یهودیهایی فلسطین اختصاص داده و پیشنهاد مینماید که مقررات کتاب سفیدمانی و اجازه مهاجرت به عده کثیری از یهودیان بمقدم آن سرزمین اعطاء و کشور یهود طبق قانون اساسی برقرار شود.

تل آویو - روزنامه «داوار» ضمن سرمقاله خود رفتار بعضی از محافل انگلیسی و امریکایی را که با اهمیت دادن باغشاشات فلسطین اذهان بین المللی را مشوب میسازند شدیداً تنقید و اظهار میدارد.

«گویا این قبیل رؤسا که بی شباهت باداره کنندگان ار کستر نیستند یک نفع بخصوصی در نشر چنین اخباری در دنیا دارند تا دوستان صیونیسیم و حتی قاطبه ملت یهود فلسطین را بترسانند. در مقابل اینگونه اقداماتی که برای تحریف دوستان ما بعمل میآید بجراب فقط یک کلمه است «ما ابدأ بک نداریم».

اورشلیم - آقای دکتر خالدی اداره تبلیغات اعراب رادر لندن راجع بانتشار دو فقره اعلامیه که از طرف مطبوعات انگلیسی بخش شده شدیداً تنقید نموده است.

در اعلامیه مزبور تقاضا شده که اولاً به یهودیان حق داده



شود که یک کانون معنوی داشته باشند و ثانیاً اتحادیه اعراب باید با کانون ملی یهود در فلسطین بطوریکه در کتاب سفید درج شده موافقت نمایند. محافل عرب راجع ببقالة دکتر خالدی مباحثات منفصلی نموده اند.

لندن - مادموازل «الانور رابتون» ضمن نامه ای که در روزنامه تایمز درج نموده اظهار عقیده مینماید که اکثریت یهودیان ساکن نواحی آزاد شده اگر بخواهند امیدی بزندگی خود در آینده داشته باشند فقط یک چاره دارند و آن هم مهاجرت فوری بفلسطین می باشد.

لندن - آقای (هربرت امرسن) رئیس کمیسیون دولتی مساعدت به پناهندگان ضمن ملاقاتی که با وی بعمل آمده اظهار داشته است که «یهودیان پس از یکسال یا بیشتر اقامت در بازداشتگاه ها با وجود تحمل زندگانی فوق العاده مشکل آنجا مهربان اجباراً باید ملتفت شوند که یگانه راه حل این است که مجدداً بهمان کشور های اصلی خود مهاجرت نمایند».

این اظهارات در محافل یهود باعث نهایت درجه تعجب و حیرت گردید زیرا یهودیان بخود امیدواری میدادند بلکه مطمئن بودند که متفقین بوعده های خود وفا خواهند کرد و یکی از وعده ها ایشان این بود که هیچیک از پناهندگان در صورتیکه مایل نباشند اجباراً بکشور اصلی خود رجعت داده نخواهند شد.

ضمناً اضافه شد که هر چند چنگ بیابان رسیده و تمام کشورهای اروپا آزاد شده اند مهربان از اظهارات (امرسن) چنین مستفاد میشود که هنوز جماعتی از یهودیان در بازداشتگاهها نگاهداشته شده اند.

تل آویو - روزنامه «میشمار» در سرمقاله خود اظهارات آقای هربرت امرسن را در باره پناهندگان مورد تفسیر قرار داده مینویسد:

«از همین اظهارات میتوان بخوبی بی بقاصد آنها برد. غرض ایشان این است که آقدر پناهندگان را در بازداشتگاهها نگاهدارند تا وقتی که طبعاً مایل بمهاجرت بکشور های اصلی خود گردند از اینرو معلوم میشود که میخواهند نسبت بقول رسمی که متفقین داده اند بدل خود تغییراتی نموده و بالتبعیجه بیان شکنی کنند البته این بی انصافیها بنام امپریالیسم انگلیس بعمل میآید و دولت نامبرده مهاجرت یهود را بفلسطین مخالف با مصالح و منافع خود میدانند در صورتیکه قضیه کاملاً برعکس است.

لندن - سر جان چانسلور کیس در عالی سابق اورشلیم ضمن نامه ای که به روزنامه تایمز نگاشته اظهار عقیده نموده که «تقسیم» بهترین راه حل مسئله فلسطین است و اضافه مینماید که «البته من آگاهم که اجرای این طرح با اشکالاتی مواجه خواهد شد ولی با اوضاع فعلی هیچ راه احل بهتری یافت نمیشود.

ضمناً متذکر شده که «کمیسیون بیل» که در چندی پیش منعقد گردید پیشنهاد نمود که دولت یهود موظف خواهد بود پس از تقسیم فلسطین همه ساله مبلغی بمقتضای مساعدت مالی بدولت عرب بپردازد» ولی بعقیده او این وجه نباید از طرف دولت یهود بلکه از طرف خزانه داری انگلیس پرداخت گردد.

اورشلیم - آقای دکتر ب. ژوزف کارمند اداری خبر - گزارشی یهود بنمایندگان جراید اظهار داشته که هنگام اقامت در لندن باتفاق آقای کلان مدیر قسمت حسابداری اداره «مستمرات» رفته و تقاضای اداره متبوعه خود را دایر بشرکت دولت فلسطین در امور اعاده جنگجویان سابق بزندگی عادی ابراز و ضمناً درخواست نموده اند که صندوق مخصوصی برای این منظور تشکیل شود.

و همچنین خالصت دولتی برای امور کشاورزی آنها تخصیص داده شود.

وزیر امور خارجه انگلستان دکتر وایزمن را ملاقات میکند

لندن - خبرگزاری فرانسه خبر می دهد که روزنامه اوسرور بقلم لیراتور مقاله اساسی خود را به مسئله فلسطین اختصاص داده و خاطر نشان میکند که این مسئله از طرف دولت انگلیس قبل از تشکیل پارلمان مورد بحث قرار خواهد گرفت و ضمناً خاطر نشان میکند که وزیر امور خارجه دکتور وایزمن رئیس سازمان بین المللی یهودیان را نزد خود خواهد پذیرفت .

و این نخستین برخورد وزیر امور خارجه انگلستان با نامبرده خواهد بود .

طبق اظهار روزنامه فوق الذکر نه تنها انتظار شورش از طرف سازمان دفاع یهودیان که بالغ بر هشتاد هزار نفر میباشند می رود بلکه انتظار می رود که یهودیان مهاجر اروپا نیز خاک اروپا را ترک گویند و در کرانه های فلسطین پیاده شوند .

روز نامه مزبور میگوید مسئولیت مداخله بعهده نیروهای ارتش و شیربانی انگلیس خواهد بود .

سران یهود در خواست میکنند که آیا وزیران دولت کارگری انگلستان مسئولیت شلیک بروی مهاجرین را بعهده خواهند گرفت منظره این اوضاع و احوال فوق العاده رقت آور بنظر میرسد .

مسکن است بر اثر این اقدامات آتش خشم فلسطینیان شلور گردو این اغتشاشات تا خاورمیانه توسعه یابد .

روز نامه مزبور میگوید تنها امید و آرزوی باقیمانده یهودیان اروپا آنستکه دروازه های فلسطین بروی آنان گشوده شود .

مانکنیان آن دروازه ها هستیم در باره هیچیک از مسائل سیاسی و عده های حزب کارگر تا این پایه روشن و آشکار نبود .

صوبیت ها با تانک و پشت گرمی آن عده و وعیدها بیدرنک درخواست اجازه مهاجرت صد هزار یهودی را بفلسطین نمودند .

وزارت مستلکات بدین ترتیب باور نکردنی از انجام تقاضای آنان سر باز زد و تنها مایل است که با هزار و پانصد اجازه در ماه که هیچده هزار در سال خواهد شد موافقت نماید .

نامه پریزدنت ترومن انگلیس انگلستان

لندن ۲۳ - طبق گزارش خبرگزاری فرانسه بقراریکه روزنامه (اوسرور) چاپ لندن مینویسد پریزدنت ترومن شخصاً نامه می برای کابینه انگلیس فرستاده و با تقاضای کابینه یهودیان راجع به مهاجرت یکصد هزار نفر یهودی بفلسطین اظهار موافقت نموده است . روزنامه مذکور ضمناً مینویسد :

ظاهراً این نامه وقتی رسیده که دولت انگلیس طرحی راجع به سیاست آینده انگلیس در فلسطین را که از طرف کابینه فرعی کابینه تهیه و تقدیم شده بود بررسی نموده و تصمیم گرفته . گویا پیشنهاد های این کابینه فرعی مورد قبول و تصویب اکثریت اعضای کابینه واقع گردیده است .

بقراری که همین روزنامه مینویسد برخی از پیشنهاد های کابینه مذکور از این قرار میباشد دعوی یهودیان راجع به لغو مقررات کتاب سفید سال ۱۹۳۹ و راجع به مهاجرت آزاد یهودیان تحت نظر کابینه یهود و ایجاد یک دولت یهودی رد گردیده است . از طرفی هم سیاست آینده انگلیس در فلسطین بر روی اساس همان کتاب سفید استوار خواهد بود ولی با برخی تغییرات که مهمترین آن ها از اینقرار میباشد .

اول - بجای آنکه پس از ختم تعداد مهاجرین یهود طبق ارتقایی که در کتاب سفید معین گردیده مهاجرت متوقف گردد مهاجرت

یک عده محدود به یک هزار و پانصد تن یهودی برای مدت نامحدودی پذیرفته خواهد شد . دوم - در قسمت اعظم خاک فلسطین خرید اراضی برای یهودیان ممنوع میباشد ولی در تعیین حدود مناطق آزاد و مناطق ممنوع مختصر تغییراتی داده شده است .

روزنامه « اوسرور » ضمناً مینویسد مسئله ایجاد یک شورایی مقتنه که اختیارات آن منحصر و محدود با امور داخلی خواهد بود پیش بینی شده است برای جبران تجدید مهاجرت یهودیان یک مکانی بنسب تعداد جمعیت آنها و گذار خواهد گردید اما روزنامه مذکور مینویسد تصمیم گرفته شده است مادامیکه این طرح از تصویب پارلمان نگذشته هیچگونه اعلامیه سیاسی انتشار نیابد و احتمال می رود پریزدنت ترومن هم در این موضوع مؤثر واقع گردد .

ولی یک رشته عکس العمل هایی با یک طرز بر جوش و خروشی آغاز گردیده است .

گفته میشود که این سعود سلطان عربستان اظهار داشته از هر گونه مهاجرت جدید یهودیان بوسیله نیروی مسلح جلوگیری بعمل خواهد آمد . این وضعیت خطرناک را نباید حقیر شمرد .

احتمال می رود که نیرو های انگلیس مجدداً مجبور بحرکت گردند . بلاوه یکی از بهترین لشکر های ارتش هشتم انگلیس بوسیله هوایما از آلمان به فلسطین اعزام خواهد گردید .

زمانداران کارگر از این بابت فوق العاده مضطرب و نگران میباشند و تصور مینمایند تا دیر نشده است برای جلوگیری از وقوع حوادث وخیم میتوان اقداماتی بعمل آورد .

روزنامه اوسرور در بیان مقاله مینویسد این وضعیت بحران آمیز تا بیست روز دیگر بنسبتا درجه شدت خواهد رسید .

میتینگ در تل آویو

لندن - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس قوای انگلستان امروز در حومه های تل آویو بزرگترین شهر فلسطین که تمام سکنه آن یهودی است گرد آمده و در آنجا میتینگ دسته جمعی تشکیل و بر علیه کتاب سفید انگلستان که مهاجرت یهودیان را نفع نرسانده است اعتراض کردند طبق اظهار خبر نگار مزبور باید این پیش آمد را آرامش پیش از طرفان تلقی کرد نیروی شیربانی انگلیس در داخل شهر با نمایش دهندگان حرکت میکنند نمایش دهندگان قطع نامه ای صادر کردند حاکی از آنکه یهودیان فلسطین بوسیله مشروعی به یهودیان مهاجر اروپا کمک خواهند کرد تا داخل خاک فلسطین شوند و جزو یهودیان آنجا گردند .

ملت یهود از دولت انگلستان و سایر دول متفق تقاضا دارد که ممنوعیت مهاجرت یهودیان را از میان بردارند تا در مرز های فلسطین بروی یهودیان گشوده شود .

قطع نامه اضافه میکند که یهودیان فلسطین با یهودیان سایر کشور ها در برابر هیچ فرمانی که بخواهد از کوشش یهودیان فلسطین جلوگیری کند سر تسلیم فرود نخواهند آورد یهودیان با وجود موانع و مشکلات بهر وسیله و از هر راهی که میسر شود بفلسطین باز خواهند گردید و ما آنان را مانند برادران خود که بزاد گاه خویش باز میگردند پذیرائی خواهیم کرد .

در پایان قطع نامه اشعار شده است که یهودیان بیدرنک بدستوراتی که از طرف سازمان های ملی صادر خواهد شد پاسخ خواهند گفت .

یهودیه خيال دارند منافع و کالاهای بازرگانی انگلیس را تحریم نمایند

نیویورک - طبق گزارش خبرگزاری فرانسه سرهنگ مورس میندلسن رئیس سازمان جدید صیونست امریکا اظهار داشته نظر باینکه دولت انگلیس بعهده می که حزب کارگر در خصوص القای مقررات کتاب سفید راجع بتجدید مهاجرت یهودیان بفلسطین داده و نا نموده لذا سازمان وی تحریم عمومی کلیه کالاهای تجارتمی و خطوط دریایی متعلق بانگلیس را درخواست نموده است .



« بقلم حنیئا هلمند »
بقیه از شماره قبل

قصه برای کودکان

در این مدت یعقوب همیشه ساکت و بیدرگاه خداوند کریم و رحیم دعا و ثنا مینمود و در خانه مانند سابق خندان نبود و زتش هر چه کرد درد درونی شوهر خود را بداند موقت نشد . صبح روز سی و نهم پس از این که یعقوب از خواب برخاست و دعای روزانه اش را خواند زن و بچه هایش را دور خود جمع نموده گفت :

« من باید فردا بحکم سلطان بیگ مسافرت طولانی بروم هر کدام از شما هر چه میل دارید بگوئید که برای امشب که آخرین شب ملاقات شما است تهیه نمایم ، هر کدام مطابق ذوق و سلیقه خود چیز هایی از قبیل شیرینی ، میوه ، لوازم بازی و خوراکی های گوناگون بکنند ولی یکی از آنها گفت من میخواهم امشب پلوهامی داشته باشیم ! همه از این تقاضا خندیدند ولی پدر که نمی خواست اطفالش از او رنجیده شوند برای انجام تقاضای آنها از خانه بیرون شد ، پس از خریدن چیزهایی را که از او خواسته بودند برای خرید ماهی جستجو کرد ولی هر چه قدر بیشتر جستجو میکرد کمتر می یافت عاقبت سرافکننده که نتوانست است تقاضای طفل آخرش را بجای آورد بطرف منزل روان گشت غفلتاً چشمش بیک ماهی گیر افتاد که چند ماهی در تور داشت با اشتیاق و علاقه زیاد آنها را خرید و خوشحال و راضی بمنزلش برد ، سپس مجلس جشنی تشکیل داد و برای پنهان ساختن درد درونیش شروع بیازی و تفریح با بچه هایش نمود ، اما زنی که از ناله های مغنی و سوزناک شوهرش بی برده بود که راز بزرگی در دل دارد آهسته و آرام از او پرسید ، یعقوب راستی بگو ببینم ، سلطان ترا بکجا می فرستد و مقصودش از این کار چیست ؟

یعقوب از شنیدن این سؤال اشک در چشمانش جمع شد و بی اختیار شروع بگریه نمود و سپس با آهنگی معزون گفت :

سلطان انگشتی را بمن داده که چون مفقود شده است مرا بجای این فراموش کاری و غفلت... دیگر نتوانست حرفش را تمام کند و با صدای بلند شروع بگریه نمود .

غفلتاً یکی از دخترانش سراسیمه بیرون رفت و در حالیکه یک انگشت در دست داشت برگشت و گفت : پدرجان امروز این انگشت را در دل ماهی



« سارا و دوگاو وحشی »

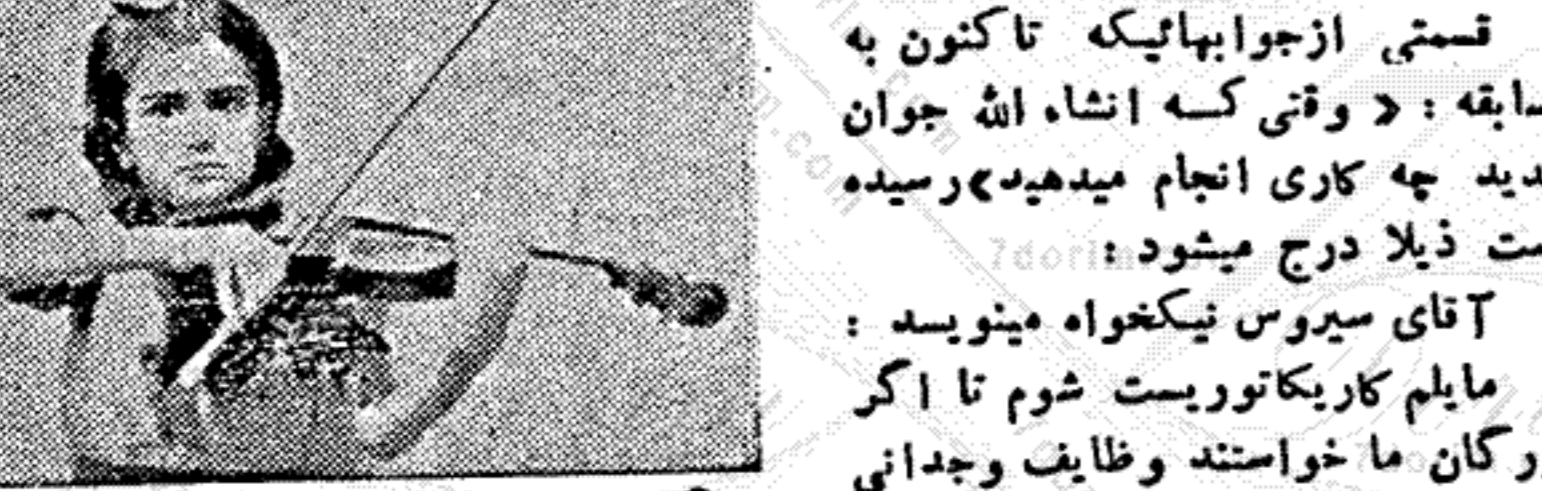
سارای قشنگ و زیبا بدون اطلاع پدر و مادر هزیرش ، بغیال اینکه تفریح و گردش کرده باشد کم کم از محیط شهر دور شد و وارد باغ بزرگی گردید ، بالهای قشنگ و رنگارنگ پروانه های زیبا وادارش کردند برای بدست آوردن یک دونه ای آنها بوسط باغ برود و با زودی کودکا اش نامل کرد .

غفلتاً دوگاو وحشی و درنده اطراف سارا گرفتند و راه فرار را به او بستند ، سارا هر چه قدر فریاد و فغان کرد کسی بکمکش نرسید ، ناگهات یادش بخدا افتاد و با دل و قلب پاکش از پروردگار متعال و رحیم تقاضای نجات نمود فوراً خداوند مهربان لك لكی را ، امور نجات سارا کرد .

لك لك ۱۰۰ با نوك بلند و تیزش آقدر به پشت و پهلو ی گاو ها زد که آنها نتوانستند مقاومت کنند و فرار کردند و بعد ... سارا خوشحال و خندان در حالیکه از لطف خداوند مهربان سیاستگراری میکرد بطرف پدر و مادرش رفت و توبه کرد که دیگر تنها و بدون اجازه والدینش بجای نی رود .

عکس سارا با دوگاری که میخواستند او را آزار کنند و با لك لكی که او را نجات داد با يك خط و قلم کشیده شده است ! اگر شما هم ذوق نقاشی دارید ، از اینگونه چیز ها درست کنید و بفرستید تا باسم خودتان چاپ کنیم .

خلاصه مطالب



قسمتی از جوابهایی که تاکنون به مسابقه : « وقتی که انشاء الله جوان شدید چه کاری انجام میدیدم » رسیده است ذیلا درج میشود :

آقای سیروس نیکخواه مینویسد : مایلم کاریکاتوربست شوم تا اگر بزرگان ما خواستند وظایف وجدانی خودشانرا عمل نکنند ، قیانه آنها را بصورت عجیبی در آورم و ب مردم معرفیشان کنم !

آقای منصور م . با اشتیاق زیاد نوشته اند :

سرردیکی از باشگاههای ورزشی خواندم « اگر زورمند باشی زور نمی شوی » باید بپهلوان شوم ! تا کسی جرأت زورگتنی بمن نداشته باشد .

دوشیزه مهین از همدان نوشته اند : چون وظیفه ما دختران تحصیل علم خانه داری و تربیت اطفال است میخواهم از اکنون آنها را خوب یاد بگیرم تا فردا کودکانی لاق بجامه تحویل دهم .

پیدا کردم آیا نمی توانی آنها بیوض انگشت مفقود شده باو بدهی ؟

یعقوب مات و مبهوت ولی خیلی سریع و تند بلند شد و انگشترا از دخترش گرفت ، ناگهات چشمان یعقوب از حلقه بیرون افتاد ، ضربان قلبش شنیده شد ، رنگ صورتش پرید و گفت : خدایا چه می بینم ! آیا اشتباه نمی کنم ؟ آیا باور کردنی است ! آیا انگشت سلطان است ! ؟

کتابخانه

عالم بهبود

کتابخانه

بها
 ۵ ریال

کرد آورنده
 مهندس اوستالی
 حبیب الله لاری
 نشانی:
 خیابان چریل
 کوچه گلکار شماره ۷

قسمت ۲



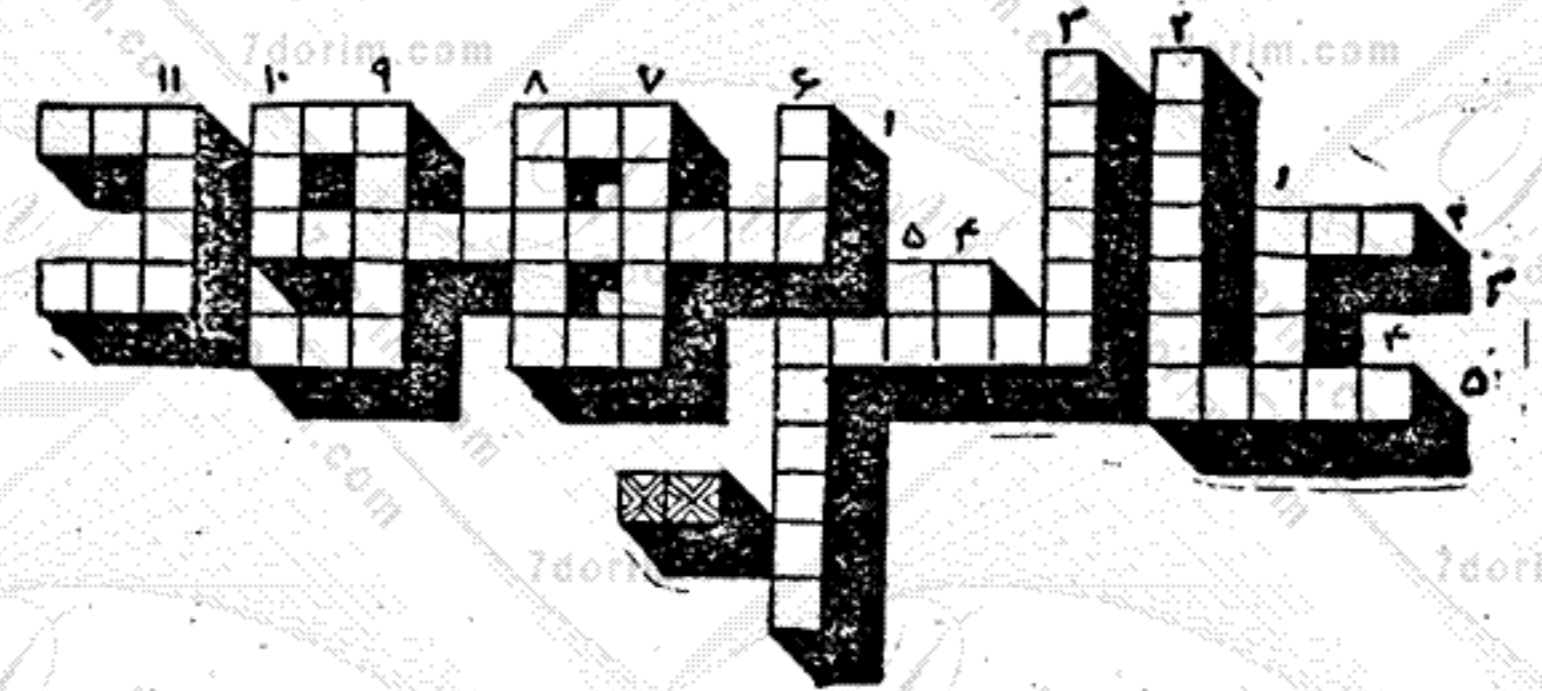
بمناسبت تصادف روز
 جمعه چهارم آبان ۱۳۲۴
 بسایست و هفتمین سال
 تولد اعلیحضرت همایون
 محمد رضا شاه پهلوی
 شاهنشاه جوان بخت و
 محبوب ایران تبریکات
 صمیمانه و ادعیه خالصه
 خود را بعموم هموطنان
 عزیز خود تقدیم داشته و
 همواره دوام و بقاء و
 عزت و جلال معظم الیه
 و خاندان جلیله سلطنتی
 را از خداوند متعال
 خواستاریم

مسابقه برای دوشیزگان

« اگر مادر شدید سعادت خانواده خود را چگونه میخواهید تامین کنید » دوشیزگان در این مسابقه شرکت نمایند و آثار و سلیقه خود را بطور مختصر که از ۲۰ سطر این کتاب تجاوز نکنند باین قطعه از عکس خود با آدرس صحیح برای ما بفرستند که پرتیب در هر قسمت از این کتاب چاپ میشود . به فرستنده بهترین جوابها یک گلدان قره تقدیم میشود .

برندگان جوایز جدول قسمت ۷
 از یکصد و پنجاه نفری که در این مسابقه شرکت نموده اند ۱۴۱ نفر جدول را صحیح حل نموده اند . بین شرکت کنندگان قرعه کشی بعمل آمد .
 از تهران دوشیزه سیمین سینا و از شهرستانها آقای امین نعمانی برنده شناخته شدند :
 برای هر یک از برندگان کتاب فرستاده میشود .

شرکت
 سهامی
 چاپ
 برنده جایزه
 قسمت ۹ شماره
 ۵۴۲۲۷
 میباشد



عمودی
 طرح کننده عزت الله دلجانی
 ۱ - یکی از علمای یهود که کاشف امواج رادیو است ۲ - خلیل الله
 ۳ - یکی از بنادر فلسطین ۴ - سوپ ایرانی ۵ - شراب ۶ - یکی از پسران حضرت یعقوب - ارم اسرائیل ۷ - بز همیشه با اوست ۸ - مقبره استرومردخای در آن شهر واقع است ۹ - یکی از حیوانات ۱۰ - مارشالی که در یک جنگ نجات دهنده فرانسه و در جنگ دیگر خائن بمیمن معرفی شد ۱۱ - مؤسس صیونیست اذقی

۱ - وقت - درهش سلسله جبالی است در آلمان - میوه ایست ۲ - یکی از زنه‌های حضرت یعقوب - یکی از ستارگان یهود دره‌ایود ۳ - مادر (بری) - قصبه ایست در فارس ۴ - مارشالی که با استالین پتیران آمده بود - یکی از شهرهای عربستان - رودی است در شمال ایران ۵ - درهش شهر است در ترکیه که تالی آن معروف است .
 بدو نفر از اشخاصیکه این جدول را صحیح حل نمایند یکم قرعه بهر یک ۴ قسمت از این کتاب جایزه داده خواهد شد . جواب تا بیست آبان قبول است .

(دوجوان با استعداد اسرائیل در رشت)

ترجمه کنید

משה בתבה

דמם צפה תבה קטנה | וממעל - כפת תכלת
 על היאור הנד | ומתחת גלי יאור;
 ובתבה - משה קטן | ושמש זהר, שמש יפה
 ילד יפה, נה | שופך הרבה אור.

הם הגלים השוכבים!
 משה קטן שט;
 לא יטבע, כי חיה יחיה
 משה זה הקט.

کتاب عالم یهود بمنظور توسعه فرهنگ عبری از این پس منتزعی از کتب عبری را برای ترجمه درج میشود و بدو نفر از کسانی که بهترین ترجمه نمایند بهر کدام ده قسمت از کتاب عالم یهود بعنوان جایزه داده میشود .



ابراهیم بن صیون ۱۳ ساله
 موسی بن صیون ۱۶ ساله
 آقایان ابراهیم بن صیون (متولد سال ۱۳۱۱) و موسی بن صیون (متولد سال ۱۳۰۸) فرزندان آقای عبدالله بن صیون که از اسرائیلی‌ها رشت می‌باشند در اثر پشتکار و فعالیت که در تحصیل زبان عبری از خود بروز داده‌اند اکنون میتوانند در روزهای شنبه از عهده خواندن تورات مقدس در حضور جماعت به خوبی بر آیند .
 ما بدینوسیله از این دوجوان حساس قدردانی و تشویق مینماییم و امید داریم که کلیه دانش آموزان روش این دو نفر را سرشق خود قرار دهند .